بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین سال
ولادت مولینا نور الدین عبدالرحمن جامی هروی

آبدات نفیسهٔ هرات

تألیف

سرور گویا اعتمادی

از نشرات انجمن جامی
ریاست تنویر افکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۲۳

بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین سال
ولادت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی هروی



آبدات نفیسهٔ هرات

تألیف

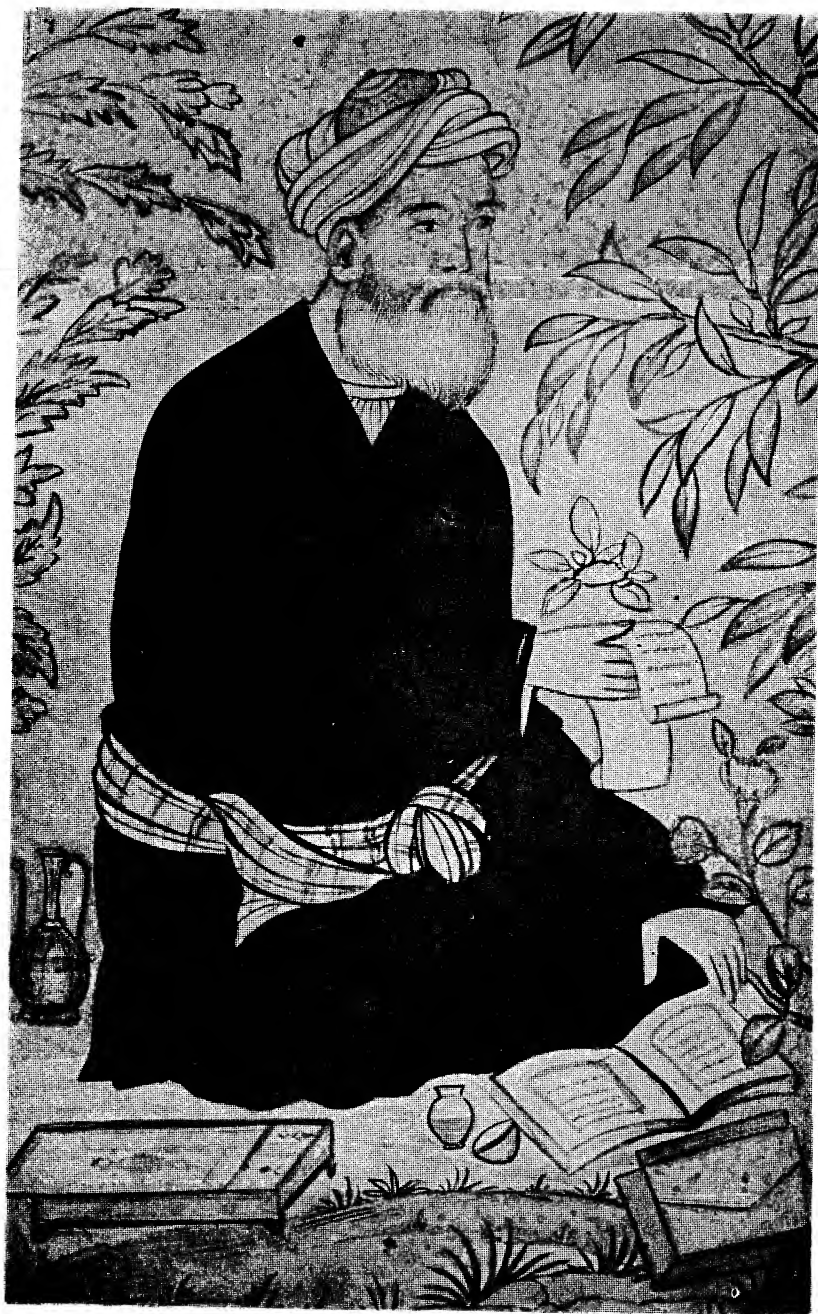
سرور گویا اعتمادی

از نشرات انجمن جامی
ریاست تنویر افکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۴۳



تمثال فرخندهٔ اعلیحضرت معظم همایونی



تصویر حضرت مولانا عبدالرحمن که از روی عمل استاد بهزاد دولت
جهانگیری کپیه نموده

خریطہ

شہر ہرات و توابع

(مرتبہ خانیکوف در ۱۸۵۸ء)

مقدمه ای بر آبدات نفیسهٔ هرات

تالیف و تتبع فاضل محترم استاد گویا اعتمادی که چندی قبل از طرف انجمن تاریخ چاپ و نشر یافت چندانکه خود مولف اظهار میدارند مطالب را ترجمه نموده و برخی تعلیقات وحواشی و تذکر آن مطالبیکه در تاریخ هنری و ثقافی هرات ارتباط مستقیم داشته است بر آن افزوده اند.

نسخه های چاپی این رساله بکلی کمیاب شدوذوقمندان این رساله اصرار چاپ آنرا داشتند، انجمن جامی مناسب آن دانست، تا از دو لحاظ این کتاب چاپ مجدد شود و د رصف دگر کتبیکه بمناسبت پنجصدو پنجاهمین سالگرهٔ مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷ — ۸۹۸) چاپ و نشر میشود قرار گیرد.

۱ — آبدات نفیسه هرات بخصوص تعمیر و ترمیم و کاشی کاری مسجد جامع هرات که درعصر جامی بهمت و کوشش امیر علیشیر نوائی مربی و مشوق بزرگ جامی هروی صورت گرفته است و د راین رساله شرح وبسط یافته .

۲ — توضیح و تاریخ گنبد سبز که به نزدیکان سلطان حسین بایقرا ربط و پیوند دارد ودرعصر جامی رنگ هنر گرفته است.

امید است به نشراین رساله ورق دگری بر کتاب تاریخ هنری هرات باستان افزوده شود. «مایل هروی»

بسم الله الرحمن الرحیم

نقشه آثار هرات

اخیر آدر شمارهٔ ماه می ۱۹٤۷ اورینتل کالج مگزین منتشرهٔ پنجاب یونیورستی لاهور مقاله بنام نقشهٔ آثار هرات با یك نقشهٔ آثار هرات مرتبهٔ خانیکوف خاورشناس روسی بترجمه و اضافات دوست فاضل و دانشمند محترم جناب پروفیسور محمد شفیع خان سابق پرنسپل اورینتل کالج نشر شده و اینك با اضافات و تعلیقات چندی از طرف نگارنده بمطالعهٔ علاقه مندان به آثار و آبدات نفیسهٔ تاریخی تقدیم میشود جناب پروفیسور محمد شفیع از محققین ارجمند و دانشمندان عالی مقام خطهٔ پنجاب اند یعنی همان خطهٔ که بقول غنیمت :

بخوبی ها ز کنعان میبرد دست　　برین دعوی که دارم شاهدی هست

مسقط الراس ایشان شهر قصور است و در آن شهر تاریخی بتاریخ ٦ اگست ۱۸۸۳ ع بدنیا آمده اند از زمان صبا الی شباب و از شباب الی شیب

با شوق غریزی وسوق طبیعی بی عدیل خویش به تتمیم فضایل و تکمیل علوم و آداب ادامه داده و امروز با احاطه و تبحری که در علوم و آداب اسلامی دارند یکی از اساتید و ارکان بشمارند علاوه برین فضایل و مزایا خدمات بی وقفه و تظاهر بمعنویات جامعه و تعلیم و تربیهٔ فرزندان و شاگردان و بی آزاری نسبت بهرچیز و هر کس و صفای قلب و ضمیر نسبت به همنوعان صفوت و خلوص با دوستان و یاران امداد و کمك به نیازمندان و محتاجان از صفات بارزه و مکارم مشخصهٔ ایشان است دّردوران زندگانی علمی خود مقالات و رسالات و کتب بسیار قیمت دار و سودمند که از ذخایر ملی ماست راجع به مفاخر و ماثر وطن عزیز ما نوشته و طبع کرده اند که بعضی از آنان قرار ذیل اند:

(۱) مطلع السعدین در دو جلد با مقدمه و حواشی استادانه و فرهنگ لغات طبع لاهور.

(۲) افغانان قصور شمارهٔ اگست اورینتل کالج میگزین ۱۹۲۸

(۳) دربار سلطان حسین میرزا و سرپرستی علم و هنر شمارهٔ می ۱۹۳٤

(٤) خط و خطاطان (اکثر آن از هرات است) شمارهٔ اگست ۱۹۳٤-۱۹۳٥

(٥) سفرنامه چین از زبدهٔ التواریخ حافظ ابرو. شمارهٔ نومبر ۱۹۲۰

(٦) آداب الحرب و الشجاعه (حکایات متعلق بخانوادهٔ غزنویه) شمارهٔ نومبر ۱۹۳۷

اکثر این مقالات و رسالات در دوره های مجله کابل از طرف نگانده ترجمه و طبع شده اخیراً مقالهٔ را که بنام نقشهٔ آثار هرات ترجمه و بلا

اضافات سودمندی در اورینتل کالج میگزین طبع نموده اند بفارسی ترجمه وباتعلیقات چند وضمیمهٔ دو مقاله به عنوان مسجد جامع و گنبد سبز بمطالعهٔ خوانندگان میرسد در خاتمه از طرف عموم علاقه مندان علم وادب و اعضای انجمن تاریخ افغانستان نسبت به خدمات ارجمند و قابل تقدیر و تمجید حضرت پروفیسور در راه علم و دانش و مساعی موفورهٔ شان اظهار تشکر و امتنان می نمایم و توفیق بیشتری را از خداوند کریم برایشان التجا میکنم.

شب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را بحقیقت شب ظلمانی نیست

سرور گویا اعتمادی

یك نقشهٔ آثار هرات را با اطراف و نواحی آن خانیکوف خاورشناس فاضل روسی در سنه ۱۸۵۸ ع مرتب نموده و در ۱۸۶۰ در ژورنال اشیاتك شایع شده است غرض از نقل و انتشار این نقشه بحروف فارسی کمك و امداد یست بتاریخ هرات و آن هم بهترین دورهٔ آن یعنی زمان سلطان شاهرخ و سلطان حسین بایقرا . راجع به هرات تاریخ های متعدی (شاید اقلاً ۱۲-۱۳) کتاب نوشته شده که از آن جمله روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات است با آنکه این کتاب تاکنون (۱) شایع نشده ولی در هرجا شهرت بسیار دارد در آغاز این کتاب مصنف آن (معین الدین الزمچی الاسفزاری) تاریخ های قدیم هرات راچنین ذکر کرده است :

سلف درباب این بلده خلد آئین کتب ساخته اند و از کیفیت قضایا

«۱» خلاصه این کتاب در ژورنال ایشیاتك بزبان فرانسوی در ۱۸۶۰ ع شایع شده است.

ووقایع تالیفات مشتمل برذکرهرگونه عجایب و بدایع پرداخته مثل امام ابواسحق احمد بن یاسین وثقةالدین شیخ عبدالرحمن فامی که تاریخ قدیم هرات رانوشته وربیع فوشنجی که کرت نامه نظم کرده وسیفی هروی که احوال بعضی ازملوك کرت درقلم آورده .«نسخه کتابخانه دانشگاه پنجاب» علامه سخاوی در الاعلان بالتوبیخ ص۱۳۳ نیز تاریخ های هرات راذکر نموده مگرعبارت نسخه مطبوعه ناقص وممسوخ معلوم میشود بااین هم استادنامبرده میگوید که یك تاریخ هرات راشیرویه نوشته استودیگررا ابونصرفامی وضیاء مقدسی ازکتاب فامی اختصار کرده است ابواسحق احمد بن یاسین الهروی الحداد نیزدوتاریخ نسبت هرات نوشته است : «احدهما علی المعجم والاخرلابی عبدالله الحسن بن محمد الکتبی اظن» عبارت بالاناقص است وتنها این قدرمعلوم می‌شودکه الحدادیك تاریخ به ترتیب حروف تهجی داشته‌استوازخصوصیت تاریخ دیگرآنچیزی معلوم نمی شودوهم بطورصحیح مکشوف نمیگردد که الکتبی مصنف تاریخ جداگانهٔ هرات استیاکسی دیگریست. درکشف‌الظنون طبع استانبول ج ۱ ص ۲۳۵ ازهفت تاریخ هرات ذکرگردیده بدین قرار: تاریخ ابواسحق احمد بن محمد بن یوسف البزازالحافظ تاریخ احمد بن محمد بن سعید الحداد، تاریخ ابی روح عیسی الهروی متوفی ۵٤٤ تاریخ ابونصرعبدالرحمن بن عبدالجبارالقیسی الحافظ، تاریخ

ثقة الدین عبدالرحمن الفامی (۱)

«وهو اول من صنف فیه» تاریخ نور الدین عبدالرحمن الجامی متوفی ۸۹۸ وروضات الجنات معین الدین الزمچی تالیف ۸۹۸. الفامی متوفی ۵۴۶ که اول من صنف فیه نوشته است چطور نخستین مصنف تاریخ هرات شده میتواند درحالیکه حداد متوفی ۳۴۳ قبل ازوی تاریخ هرات را تصنیف کرده است از کتابهاییکه در بالا ذکر یافته اکثر آن مفقود و ناپیدا ست از آن جمله تاریخ نامهٔ هرات سیفی هروی است (یعنی سیف بن محمد بن یعقوب) که در قرن هشتم تالیف شده وبعد از تصحیح دوست فاضل پروفیسر محمد زبیر صدیقی از طرف کتابخانهٔ شاهی کلکته در اواخر ۱۹۴۴ ع شایع گردیده ودر سرورق آن سهواً قرن هفتم طبع شده جای افسوس است که دوست فاضل درموقع مقابلهٔ متن سوای نسخهٔ کتابخانهٔ بوهار دیگر نسخهٔ دردست نداشته چنانچه درحاشیهٔ دیباچه کتاب کوشش های ناکامانهٔ خودرا برای بدست آوردن نسخهٔ دیگر ازین کتاب و مخصوصاً نسخهٔ کتابخانهٔ کابل نوشته است آقای سرورخان گویا اعتمادی اواخر مارچ ۱۹۴۷ بغرض شمولیت در انتر ایشین کنفرانس منعقدهٔ دهلی از کابل بسوی

---

(۱) درکتاب انساب سمعانی ورق ۴۲۸ چنین است: ابو نصر عبدالرحمن بن عبدالجبار بن عثمان الحافظ الفامی من اهل الهرات وکان من اهل العلم والفضل سمع الحدیث الکثیر و نسخه بخط وحصل الاصول، سمع عبدالله بن محمد الانصاری و اباعبدالله العمیری و نجیب بن میمون الواسطی وغیرهم وسمعت منه الکثیر بهرات و فوشنج وکانت ولادته

هند آمدند وهمین نسخهٔ کابل رابـاخودآورده بودند این نسخه در وقت نگارش این سطورنزدمن است تقطیع این نسخه ۱۰+ ۶ ونیم انچ است ودارای ۱۹۹ ورق ودرهر صفحه ۱۷ سطر نوشته‌شده وختم این نسخه به این عبارت است(مشوسوی تندی وکین آوری) یعنی به‌کتاب مطبوعه‌تا صفحهٔ ۵۸۷ سطر ۱۱ مساوی است به چند صفحهٔ این نسخهٔ آب رسیده وبعضی جاهاسیاهی آن خراب شده مگر نسخه بسیارخوب وقدیم معلوم میشوداز مقابله‌سرسری باچند صفحهٔ مطبوعه معلوم شدکه دربسیارجاها این نسخهٔ قلمی موادزیادتردارد .

فاضل موصوف (گویااعتمادی) خوب حدس زده‌است‌که حافظ آبرو ازسیفی مواد کتاب خودرا بی تکلیف نقل کرده است‌شایدبه‌ایشان معلوم نباشدکه دراستانبول نسخهٔ بنام «تاریخ ونسب ملوك کرت بالاجمال» ازحافظ آبروموجوداست‌وبرای معلوم کردن نقل ومقابله به آن شاید مفید ثابت شودنسخهٔ نفیس استانبول درمجموعهٔ حافظ آبروشامل است که درعهد سلطان‌شاهرخ بهادرخان نوشته شده‌رجوع شودبه نوشته‌هوفیلکس تاور راجع به کتابخانه‌ها ومخطوطات تاریخی استانبول درارکیوآورینتالینی شمارهٔ اپریل ۱۹۳۱ ع ج ۳ نمبر۱ پراگ ص ۹۸ .

ازکتاب هـای که درفوق ذکرشده برخی ازآن دردست است که‌ازمطالعهٔ آن مواضع وآثارگردونواح هرات بخوبی‌معلوم‌میشود خصوصاً اسفزاری که بسیاری ازمقامات وامکنهٔ تاریخی‌هرات را به تفصیل نوشته است پیش ازاسفزاری عبدالرزاق سمرقندی درحالات

هرات رسالهٔ نوشته است چنانچه درمطلع السعدین جلد۲ ص ۱۹۰ مرقوم نموده «شرح بناء دارالسلطنهٔ هرات واحوال بلوکات وحالات ولایات قلم دوزبان بشرح وبیان تقریرنموده وتحریرفرموده هر کرا میل مطالعهٔ آن باشدگورسالهٔعلیحده درآن باب مسطوراست بنظراشرف مشرف سازد» این رساله ازنظرها ناپدیداست ولی مصنف ملطع السعدین ، ازآن عمارات وآثارذکرکرده‌وتفصیل داده که از عهدشاهرخ‌وجانشینان وی تاسنه ۸۷٤ پابرجا بوده است. بعد ازمطلع وروضات درخاتمهٔ روضة الصفا نیز ازحالات‌هرات ذکری رفته‌است علاوه برین خوند میرمتوفی(۹٤۲)درخلاصة الاخبار یك فصلی خاص راجع به صفت دارالسلطنهٔ هرات وبیان بعضی‌عمارات وبقاع خیر وباغات وشرح حال مشاهیرهرات نوشته استهمین فصل رادوست فاضل سرورخان‌گویا اعتمادی بصورت رسالهٔ مستقل مرتب‌کرده وبامقدمه وحواشی وفهرست درکابل طبع وازطرف مدیریت عمومی تاریخ (یعنی انجمن تاریخ) در۱۳۲٤ ش شایع شده است‌این رسالهٔ مختصروکارآمد درین باب بسیارمفید است وحواشی وتعلیقات آن بامنتهای محنت وقابلیت مرتب‌گردیده است خانیکوف نقشهٔ مرتبهٔ هرات ونواح آن رابایك مکتوبی درژورنال‌ایشیا تك شایع‌کرده که خلاصهٔ آن قرارذیل است :

درنقشهٔ‌هرات‌همان‌آثارومقاماتی نشان داده‌شده‌که‌مورخین‌مسلمان درکتاب‌های‌خودخصوصاً مورخین‌دورهٔ تیموروجانشین‌آن‌شاهرخ‌در تاریخ‌های خودکم وبیش ذکری‌ازآن‌آثارکرده‌اند وحصص



مقبره سلطان مودود چشتی در

چشت هرات



عمارت قدیمه مدفن سلاطین غور

درچشت هرات

بیشتر این یادگارها و آثار آن قدر خراب و ویران شده است که بیم آن است که بکلی از بین نرود، وچند سال بعد محال و مشکل خواهد بود که کسی بتواند مواضع حقیقی آن را دریافت کند بنا بر آن دریافت آن صرف از روی واقعات تاریخی آسان و ممکن خواهد بود زیرا که اسامی مواضع با وقایع تاریخی آن وابسته و مربوطه است در نقشه موقعیت باغ زاغان و مصلی دیده میشود مصلی را شاهرخ وخانم آن گرهر شاد آغا بنا کرده و بر سطح یك دیوار کاشی کار مصلی مرثیهٔ شاهرخ نوشته شده است (۱) .

قریب مصلی گنبد گوهرشاد است که دران ۹ شهزادهٔ تیموری مدفون است وذکر آثان بیاید در نقشه باغ مراد هم دیده میشود این باغ در زمان سلطان حسین میرزا آباد شده بود. گازرگاه در هرات یك مقام مشهور و قدیم است ودر آنجا مزارات متعدد و آثار همان مشاهیر یست که تاریخ آسیا بدان متذکر و واقف است وهم قبور پنج شهزاده تیموری در این جاست شاهرخ درسنه ۸۳۲ هجری (۲) بر مزار خواجه عبدالله

---

(۱) مرثیهٔ شاهرخ نبوده بلکه مرثیهٔ بایسنغر میرزا بوده که بخط بسیار زیبا نگاشته شده بودو این سه بیت از آن مرثیه است :

بسکه رفت ازچشم مردم خون دل زین واقعه

خامه را موج سرشك خویش درطوفان نماند

غوطه زد درنیل مصر از مصر گوئی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین درچین مگر خاقان نماند

وادریغا حسرتا کزگردش گردون دون   برسریر ملك دولت بایسنغرخان نماند

«۲» این تاریخ درست نیست زیرا شاهرخ حکم تعمیر این عمارت را درمحرم ۸۲۹ هـ داده ودرسنه ۸۳۰ این عمارت بکلی تکمیل شده . «گویا اعتمادی»

انصاری عمارتی بنا نمود خواجه مذکور در ۳۹۶ (۱) فوت نموده است شاهرخ بنا بر حسن عقیدتی که بحضرت خواجه داشت شبهای جمعه را در این خانقاه میگذراند .

این عمارت مقبول و خوشنما از سنگ مر مر سفید ساخته شده و حجاری بسیار نفیسی از گل و برگ و سایر اشکال داشته (۲) وحاوی کتیبهٔ طویلی بوده است در مطلع السعدین چنین است : «مجموع آن عمارات عالی بعد

(۱) این تاریخ غلط است بنا به آنچه در نفحات از خود خواجه انصار نقل شده وقت غروب آفتاب در روز جمعه دوم شعبان ۳۹۶ هجری در فصل بهار که خورشید د رهفد هم درجه ثور بود درزمان خلافت القادر بالله عباسی «۳۷۶ – ۴۲۷» متولد گردید ودرسال ۴۸۱ هجری درزمان القایم بامرالله عباسی درهرات وفات یافت این رباعی که حاکی از تاریخ وفات حضرتش می باشد درلوح مزارشان منقور است.

آنخواجه که درصورت ومعنی شاه است ... وز سر حقیقت دو کون آگاه است

از روی حساب جمل اردانی «فسات» ... تاریخ وفات خواجه عبدالله است

(۴۸۱) ... گویا

(۲) چنانچه تا امروز لوح مزاریکه برفراز تربت حضرت خواجه انصار طاب الله رمسه نصب است از حیث نقاری وحجاری وخطاطی از بدایع عالم و نمایندهٔ صنایع جمیله آن عصر است این همان لوحی است که مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره دروصفش فرموده اند .

میل سر مزار پر انوار او کشد ... زوار را بدیدهٔ دل کحل انتباه

وهمچنین حسن خان شاملو خطاط معروف در توصیف لوح مزار آن بزرگوار این رباعی را از طبع خود وبقلم خود در یك قطعه سنگ مرمر بسیار شفاف ونفیس که درسمت قبلهٔ مقبره منصوب است نوشته وبنام خود رقم کرده :

دهد تا ساقی عرفان دلت را جام هشیاری ... دو آ در بزمگاه خواجه عبدالله انصاری «درج»

بود لوح مزارش نازنین سرو یکه از شوخی ... ملایك را چو قمری کرده گرم ناله وزاری

«گویا»

از آنکه بسنگ و آجر درغایت لطافت ساخته بکاشی و زرحل ولاجورد زینت یافته و خطها و شکل های معقلی و کوفی وفارسی بسیار بتکلف دراطراف وجوانب پرداخته اند.»

بعداز تیموریان فرمانروایانیکه برخراسان متسلط شدند درنگهداشت و تزئین و ترمیم این مواضع اندك کوتاهی نکرده اندچنانچه بامرشاه عباس صفوی یك خانقاه بسیار مجلل درین مقام بنا یافت و بحل طلاء نقش ونگار نمودند وبرای پر کردن حوضهای وسیع باغ آن از جاهای بسیار دور آب آورده شدو برای این کار مصارف زیادیکار رفت و باین وسیله گردو نواح آن سیراب گردید و برای عایدات خانقاه یك ذریعهٔ عمده محسوب گردید. درجانب شمال نقشه مزار مولینا عبدالرحمن جامی رح است (۸۱۷-۸۹۸) عمارت مزار مولینا جامی بعد از وفات شان ساخته شده بطرف شرق مزار جامی یك مقبره وخرابهٔ مدرسه است این بنا را یار محمدخان برای خود و خانوادهٔ خود بغرض مدفن ساخته بود یار محمد خان بواسطهٔ واقعاتیکه در ۱۸۳۹ ، ۱۸۴۰ ، ۱۸۴۱ع اتفاق افتادو با انگریزان در تماس بود روشناس مردم یوروپ است یار محمدخان در ۱۲ شعبان ۱۲۶۷ هجری درین مقبره دفن شد مگر از اتفاقات روزگار باقی افراد خانوادهٔ آن سوای یك برادر وخواهروی درینجا دفن نشدند سنگ مرمر سفید قبر یار محمدخان شکسته است. در تاریخ وفات تیموریان مورخین اختلاف دارندو ازین جهت الواح مزارات مدفونان مصلی وگازرگاه اهمیت خاص دارد زیرا معاصرین آنان تاریخ وفات آنهارا برین کتیبه ها نوشته وکنده اند ازین

سبب مورد اعتماد شایان است بنا بر ان بقرار ذیل نقل نموده شد :

مدفونان گنبد گوهرشاد آغا (۱) بجوار مصلی

(۱) بایسنغر میرزا بن شاهرخ بن تیمور متوفی در ٦ شهر جمادی الاول ۸۳٦ هجری .

(۲) محمد جوکی بهادر بن شاهرخ متوفی روز جمعه ۸٤۸ هجری

(۳) سلطان احمد بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ بن شاهرخ متوفی در ۱۵ ذی قعده ۸٦۱ هجری

(٤) گوهرشاد آغا ، بیگم سلطان شاهرخ متوفیه در نصف شهر رمضان ۸٦۱ هجری

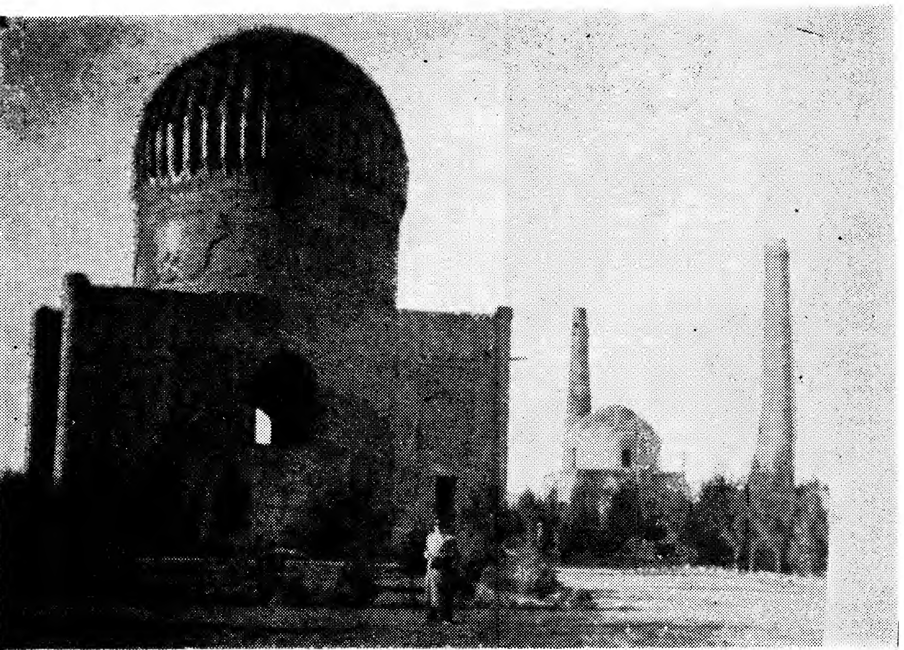
(۵) امیرزاده نظام الدین بن احمد بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ بن شاهرخ متوفی نصف شهر ذی قعده ۸٦۱ هجری .

(٦) ابراهیم سلطان بن علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ بن تیمور متوفی بروز چارشنبه ۱۰ رمضان ۸٦۳ هجری

(۷) سلطان علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ متوفی ذی حجه ۸٦۳ هجری

(۸) جوکی مرزا بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگ

«۱» خرابهٔ این گنبد باقسمتی از کاشی کاری آن تا حال باقی و بنام گنبد سبز مشهور است ، درین اواخر برای ترمیم این گنبد و تسطیح خیابانها و منار های مصلی وسائر آثار هرات خصوصاً درتعمیر وتزئین مسجد جامع جناب نائب الحکومه هرات عبدالله خان ملکیار که در احیای آثار تاریخی و تجدید صنایع آن عهد شور وشوق فراوان دارند خدمات قابل تقدیر و تمجید نموده اند که بنده به نوبه خود بنام یکنفر علاقه مند بتاریخ و آثار عمرانی و آبدات نفیسهٔ آن عهد مراتب امتنان و شکرگذاری خود را تقدیم حضورشان نموده و از خداوند بزرگ و کریم توفیق بیشتری در همه امور برای شان التجا مینمایم .



گنبد مقبرهٔ گوهرشاد پس از ترمیم

بن شاهرخ متوفی ۵ ذی حجه ۸۶۸ هجری

(۹) شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن سلطان محمد بن میران شاه بن تیمور متوفی ۲۵ شوال ۸۹۸ هجری.

در گازرگاه پنج شهزاده تیموری بقرار ذیل مدفون اند:

(۱) غیاث الدین منصور میرزا ابن عمرشیخ میرزا ابن تیمور متوفی ۸۴۹ هجری (۱)

(۲) محمد بن بایقرا ابن عمرشیخ بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری

(۳) محمد مظفر میرزا بن منصور میرزا ابن بایقرا ابن عمرشیخ بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری ودر حاشیهٔ سنگ مزار کنده شده که قبر قاتل وی محمد بن بایسنغر در مشهد است.

(٤) احمد بدیع میرزا ابن منصور میرزا بن بایقرا میرزا ابن عمرشیخ بن تیمور متوفی ۸٦٦ هجری.

---

(۱) درگازرگاه نزدیک مقبرهٔ حضرت خواجهٔ انصار رح تختی است که از سنگ مرمر و سنگ سیاه ساخته شده، تخت مذکور مربع و اطراف آنرا از سنگ سیاه بطور خاتم کاری بالای سنگ سفید قرار داده اند باوجود مرور زمان جای وصل سنگهای سفید و سیاه هیچ معلوم نمی شود برروی این تخت چند صندوق سنگ قبر است که یکی از آنها مقبرهٔ غیاث الدین منصور پدر سلطان حسین میرزا بایقرا است. سلطان علی مشهدی خطاط معروف تاریخ تخت مذکور را بصورت کتیبهٔ بسیار شیوا نوشته و برجنب شمالی تخت مذکور نصب است. تاریخ بنای تخت ۸۸۲ واین بیت در پایان کتیبه است

چون بهشت از مرقد منصور سلطان رخ نمود این عمارت را بوجهی بس نکوتاریخ بود

حرره العبد سلطان علی مشهدی- شمارهٔ ۱۰ سال دوم مجله هرات ۱۳۲۲ شمسی

«گویا» ۱

(۵)سلطان بن محمد بایسنغر(۱) بن شاهرخ بن تیمور متوفی ۱۵ ذی‌حجه (سنه فراموش شده) درین جامضمون مکتوب خانیکوف بپایان رسیده واکنون نقل سنگ های مزارشهزادگان تیموری را با بیانات مطلع السعدین مقابله می نمائیم از اشخاص نامبرده تنها شمارهٔ (۹)(شاهرخ سلطان بن ابی سعید) که تاریخ وفات آن بعداز تالیف مطلع است وذکر آن درین کتاب نیامده باقی هشت نفرآن که در مطلع ذکرگردیده قرار ذیل است :

۱-بایسنغر بن شاهرخ : تاریخ وفات آن در مطلع صبح شنبه جمادی الاول ۸۳۷ است گویا از نوشته سنگ مزار یك سال بعدتر در سنگ مزار دوجای عدد ۶ آمده ودر مطلع عدد ۷ است بگمان من خانیکوف درهر دوجا عدد ۷ را سهواً ۶ خوانده است وتاریخ مطلع صحیح است وهم درمطلع مرثیهٔ واحدی که برای بایسنغر ساخته بودنقل شده وازآن مرثیه (دل خراب) ماده تاریخ است واین مرثیه ظاهراً بحضورشاهرخ هم
۸۳۷
خوانده شده بود اسفزاری ومحمد خاوندشاه صاحب روضة الصفا هردوظاهراً به تقلید مطلع ۸۳۷ رااختیار کرده اندوهمین سنه را کلیمان

(۱) میرزاسلطان محمد بن بایسنغر از مدفونان گنبد گوهرشاد آغاست چنانچه عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین نوشته است : «درشجاعت وسخاوت نادره ایام بود ودر ۸۵۵ بقتل آمد ومدت عمراو ۳۴ سال بود وزمان دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت درزمان شاهرخ و ۵ سال با استقلال ونعش اورا بدارالسلطنه هرات بمدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد خوابگاه پدر او میرزا بایسنغر دفن کردند» رجوع شود بمقالهٔ گنبد سبز بقلم نگارنده درهمین رساله.   گویا اعتمادی

هوارداز روضة الصفا نقل نموده بذیل بایسنغر در دائرة المعارف اسلامی درج کرده است.

۲ــ محمد جوکی بهادر درسنه وفات آن در مطلع ۸٤۸ است البته درسنگ مزار ذکر ماه هم است ودر مطلع نیست در مطلع این واقعه در پایان وقایع سال ۸٤۸ درج است.

۳ــ میرزا احمد بن عبد اللطیف: سال وفات وی در مطلع ۸۳۱ آمده مگر در کتیبه مزار روز وماه نیز درج است در مطلع مبهم نوشته شده بدین قرار: «که میرزا سلطان ابوسعید بعد از منتصف شوال بطرف بلخ روانه شد وپیش از روان شدن از امراء نامدار گروهی را مقرر نمود که غبار فتنهٔ میرزا احمد را از بلخ فرونشانند امراء نامدار درنواحی بلخ به او رسیده با آن تیغ بید ریغ غبار عصیان اورا فرو نشاندند» مراد اینکه میرزا احمد مقتول گردید.

٤ــ گوهرشاد آغا: تاریخ وفات وی در مطلع ۹ رمضان ۸٦۱ است وعبارت مطلع اینست که «نهم ماه مبارك رمضان بقتل گوهرشاد آغا فرمان داد.» فهمیدن این مطلب مشکل است که در کتیبه چطور ۷۰٦ روز تفاوت پیدا شده.

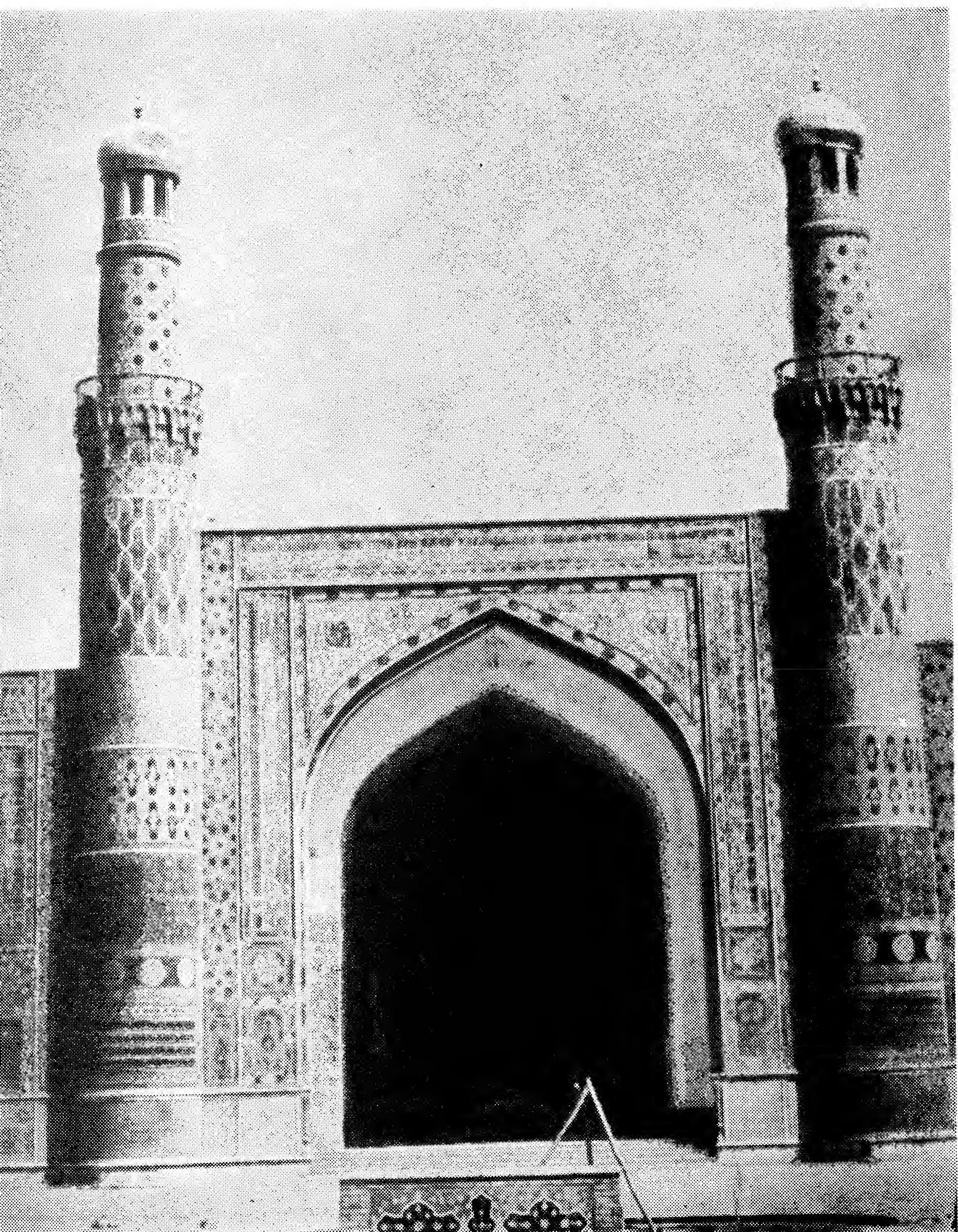
۵ــ نظام الدین بن احمد: تاریخ وفات آن در مطلع ذکر نگردیده مگر از قرینه معلوم می شود که همراه پدر خود مرزا احمد مقتول شده است؟

٦ــ ابراهیم سلطان: تاریخ دفن وی در مطلع ششم شوال است نامبرده سوی دامغان ازمشهد میرفت درراه فوت نمودو امکان دارد

که تاریخ کتیبه آن تاریخ وفات درمشهد باشد و درمطلع همان تاریخ دفن وی درهرات درج است یعنی ۸۶۳

۷ــ سلطان علاء الدوله بن بایسنغر: متعلق آن درمطلع نوشته شده «که درسنه ۸۶۵ هجری فوت نمود وشب جمعه بیست ویکم صفر نعش اورا ازطرف رستمدار آورده ودرمدرسه مهدعلیا گوهرشادآغا در گنبدی که مدفن میرزا بایسنغر ومرقد مهدعلیا بود مدفون شد» اسفزاری و صاحب حبیب السیر ظاهراً از مطلع تقلید نموده سنه وفات میرزا را نیز ۸۶۵ گفته اند. مگر دولتشاه ۸۶۳ نوشته که با کتیبه سنگ مزار مطابقت دارد.

۸ــ جوکی میرزا: سنه وفات وی درمطلع ۸۶۸ است مگر روز و ماه درمطلع نیست. ازمدفونان گازرگاه ذکر هیچ یك با سنین ووقایع آن در مطلع نیامده. در نقشه یك مقام بنام گاوچاران نوشته شده آقای سرورخان گویا که بدفعات متعدد هرات را دیده اند به عقیدهٔ ایشان این مقام گوچران است که فعلاً درهرات به همین نام زبان زد عموم است «انتها»



رواق جدید با دو منار جدید الاتاسیس ایوان مقصورهٔ مسجد جامع هرات

مسجد جامع هرات

این بنای معظم ومرصوص از معروف ترین مساجد ومحتشم ترین معابد اسلامی است مورخین دورهٔ تیموری هرات تاریخ بنای آن‌را بدورهٔ سلطان غیاث‌الدین ابوالفتح بن محمد سام غوری منسوب نموده بانی آن شخص سلطان را میدانند ولی نظر به روایات و اسنادی که دردست است مسجد جامع هرات قبل از سلطان غیاث الدین غوری معروف ومشهور بوده چنانچه مولف کتاب حدودالعالم که بسال ۳۷۲ هجری کتاب خودرا تالیف نموده درناحیت خراسان می‌نویسد:

هری شهربزرگ وشهرستان وی سخت استوار است و مزکت جامع این شهر آبادان ترمزکت هاست (۱) بعد ازمولف نامبرده منهاج سراج درطبقات ناصری چنین نوشته است « دو همای زرین هریك بمقدار شتر بزرگ سلطان غازی معزالدین ازفتح اجمیر بوجه خدمتی وتحفه بحضور سلطان غیاث‌الدین محمدسام فرستاده بود با بسیار تحف دیگرچون حلقهٔ زرین باز نجیر زرین وزجیرهٔ که دایرهٔ

(۱) حدودالعالم من‌المشرق الی المغرب طبع طهران ۱۳۱٤

آن پنج گز در پنج گز بود ودو کوس زرین که بر گردونه آورده بودند وسلطان غیاث الدین آن حلقه وزنجیر وجریره را در پیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بفرمود تا بیاویختند وچون مسجد جامع راسیل خراب کرد آن کوس وحلقه وزنجیر وجریره را بشهر هرات فرستادند تا مسجد جامع هرات را بعد ازانچه بسوخته بود (۱) ازان وجوه عمارت کردند تقبل الله منهم (۲)

پس بنا بر قول مولف طبقات ناصری این مسجد بزرگ بعد از سوختن

---

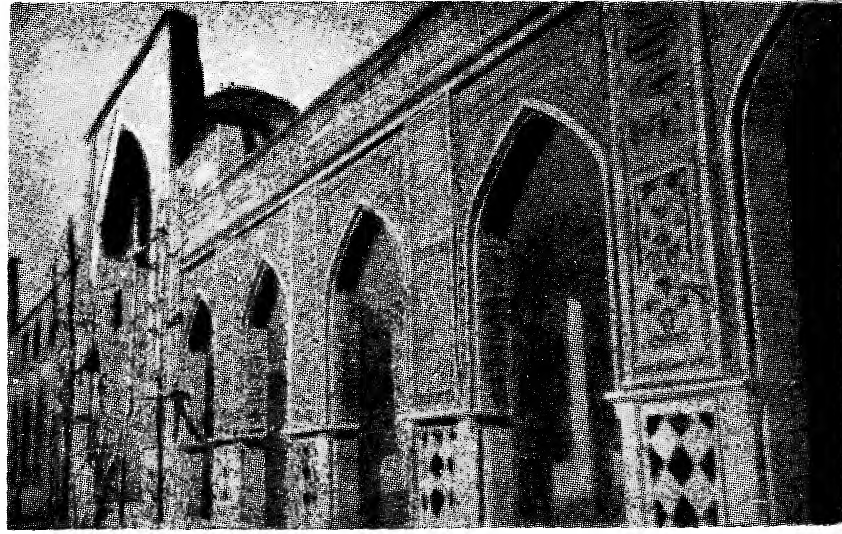
(۱) تاجائیکه تحقیقات شد علت سوختن جامع هرات دران وقت معلوم نیست فقط جزء اساطیر محلی اشاراتی درین معنی میشود هم چنین مولانا جامی هروی وعلی قانع هندی درنفحات الانس وتحفه الکرام قضیهٔ مذکور را بدین ترتیب نقل میکنند :

درویش محمد چرخگر که یکی از ابدال بوده درجامع هرات بسر بردی روزی درمسجد خفته بود که کوزه آب وی ریخته بودند خادم مسجد آنجا رسید پنداشت که وی بول کرده است وی را چندان بزد که اعضای وی مجروح گشت چرخگر آهی بزد و بیرون رفت مسجد ازچوب بود آتشی پیدا شد ودر وی گرفت و بسوخت وازآنجا به بازاری که آنرا بازار جمله فروشان گفتندی در آمد سلطان مجدالدین طالبه را از آن خبر کردند درعقب چرخگر روان شد چون بوی رسید گفت ای چرخگر شهر مسلمانان را چرا میسوزی چرخگر باز گشت وآب چشم خود بر آتش افگند آتش فرو مرد و ناپدیدشد و این رباعی بگفت :

آن آتش دوشین که برافروخته بود	او سوختن از آه من آموخته بود
گر آب دوچشم من ندادی یاری	چه جمله فروشان که هری سوخته بود »

نفحات الانس ص. ۳۲۰-۳۲۱ طبع نول کشور وتحفه الکرام ج ۲ ص ۱۸۶ صحت این حکایت هرطوریکه باشد مطلب ما این است که درین مقاله هر اطلاعی که از هر جا و هرگوشه بدست آید بمطالعه خوانندگان برسانم .

(۲) طبقات ناصری نسخهٔ قلمی متعلق بفاضل دانشمند آقای حبیبی .



حصهٔ داخلی مسجد جامع هرات

بامر سلطان بدین پیکر و شکل موجوده سر از نو در سال ۵۹۷ هجری مطابق (۱۲۰۰ ع) تعمیر و آباد گردیده چنانچه در کتیبهٔ که در کمربندیکی از رواقهای این مسجد است به خط کوفی اسم سلطان چنین نقر گردیده :

« السلطان المعظم شهنشاه الاعظم مالك رقاب الامم مولی ملوك العرب والعجم سلطان ارض الله حافظ بلاد الله معین خلیفة الله غیاث الدنیا والدین معز الاسلام والمسلمین نظام العالم ابوالفتح محمد بن سام قسیم امیر المومنین انار الله برهانه » بنابر تمایل و دلبستگی که سلطان باین مسجد بزرگ داشته درزمان حیات خود گنبد بسیار باشکوهی متصل این مسجد برای قبر خود ساخته است. چنانچه بعد از مرگ که در ۲۷ جمادی الاول ۵۹۹ در هرات درگذشت درهمان جا دفن گردید (۱) و این گنبد درزمان ملوك کرت به گنبد ملکان اشتهار یافت (۲) وهم از نوشتهٔ موءلف روضة الصفا و حبیب السیر معلوم میشود که بنای این مسجد درزمان حیات سلطان غیاث الدین بکلی خاتمه نیافته واتمام کلی آن درقت سلطان غیاث الدین محمود (متوفی ۶۰۷) بن سلطان غیاث الدین محمد بوده چنانچه هردو مولف نامبرده مینویسند :

« عمارت مسجد جامع هرات را که ناتمام مانده بود او باتمام رسانید » (۳)

عدهٔ از مورخین می نویسند که سلطان غیاث الدین این مسجد را برای وعظ و درس امام فخر رازی ساخته وامامت مسجد درزمان سلطان

---

(۱) طبقات ناصری صفحهٔ ۲۰۲ نسخهٔ قلمی ، و روضة الصفا ج ۴ صفحه ۲۱۳ طبع لکنهو حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۷۵۵ طبع بمبئی (۲) روضة الصفا ج - ۴ صفحه ۲۲۹

(۳) روضته الصفا ج ۴ صفحهٔ ۲۱۴ و حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۱۵۶

غیاث‌الدین مخصوص اصحاب شافعی بوده (۱) و امام المتکلمین امام فخر رازی که کتابهای چندی هم بنام سلطان غیاث الدین نوشته مدت‌ها در مسجد جامع هرات حلقهٔ وعظ و درس داشته (۲) سید عبدالله الحسینی مشهور به اصیل الدین واعظ در رسالهٔ مقصد الاقبال خود که در سنهٔ ۸۶۴ هـ تالیف نموده دربارهٔ مسجد جامع هرات و امام فخر مینویسد:

«از آثار خیر او (مراد) از سلطان غیاث الدین است» بنای مسجد جامع هرات است که از غنیمت حلال ساخته شده اساس آن از تقوای موسس وصفای آن از خلوص عقیده بانی خبر میدهد همواره معبد اولیا و اتقیا بوده وهست و مشهور است که چهار جمعه یك نوبت حضرت خزر علیه السلام آنجا بنماز حاضر میشود هرگز از اهل غیب خالی نیست و بسی سالك جلد میباید که شب تنها در آنجا قیام نماید و در طرف جنوبی مسجد بصف اول دو رکعت نماز گذاردن و مراد خواستن اثری تمام دارد و همین مولف در شرح حال و مزار امام فخر رازی مینویسد «در زمان سلطان غیاث الدین غوری درهرات ترقی نموده و سلطان موصوف مسجد جامع هرات را باسم شافعیه به جهت امام مذکور بنا نموده و هرروز جمعه آنجا به نصیحت مسلمانان مشغول می‌شد (۳)

درزمان ملوك کرت نیز این مسجد بزرگ در اوج شهرت و اعتبار و احترام بوده و ملوك کرت هریك بنوبهٔ خود الحاقات و ترمیماتی در بنای این مسجد نموده اند چنانچه ملك غیاث الدین کرت (۷۰۷-۷۲۹)

---

(۱) روضة الصفا ج ٤ صفحه ۱۳ (۲) ایران امروز شماره ۵ و ٦ سال اول (۳) مقصد الاقبال نسخهٔ قلمی مورخهٔ ۱۱۹۸ هـ

بنا بقول مولف حبیب السیر درایام دولت خود مسجد جامع هرات را که فی الحقیقة جامع فیوض وبرکات است وروی بو یرانی آورده بود تجدید عمارت فرمود و هم در ان بقعهٔ متبر که پهلوی سلطان غیاث الدین محمد سام مدفون شد و ایضاً مدرسهٔ غیاثیه که درشمال مسجد مذکوراست بناکردهٔ معمارهمت آن پادشاه وافر مکرمت(غیاث الدین کرت) است(۱) عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین درین خصوص معلومات بیشتری میدهد : «مدرسهٔغیاثیه بطرف شمال مسجدجامع هرات که از مشاهیر مدارس است او ساخته و اوقافی جهت عمارت این مدرسه ووظائف امام وخطیب وحفاظ وموذنان ومقریان مسجد جامع هرات اوکرده است » (۲) بعد از ملك غیاث الدین ملك معزالدین کرت ۷۳۲ — ۷۷۱ بنوبهٔ خودخانقاه جدیدی متصل مسجد جامع هرات بناء نمودوخودش در تاریخ ۳ ذی قعده-۷۷۱ هجری درجنب مقبرهٔ سلطان غیاث الدین محمدسام پهلوی پدرخویش ملك غیاث الدین کرت مدفون گردید (۳) دیگ فلزی بزرگ هفت جوش ومنقش که تا امروزدر ایوان غربی مسجد جامع روی پایه‌ها گذاشته شده نیزازآثار ملوك کرت است این دیگ فلزی بزرگ را درزمان یکی از پادشاهان کرت قلندرنام فقاعی ساخته است . قطر آن یکنیم متر وعمق آن ۲ متر است این دیگ را برای پرکردن شربت درایام متبرکه وقف مسجد جامع کرده بودند درحاشیه بیرونی دیگ اسم محمد بن محمد بن محمد

---

(۱) حبیب السیرجز و ۲ جلد ۳ صفحه ۷۴ (۲) مطلع السعدین نسخهٔ قلمی (۳) حبیب السیرجز و ۲ جلد ۳ صفهٔ ۷۷ تاریخ ملوك کرت تالیف نگارنده صفحهٔ ۱۴۹

کرت کنده‌شد و این دو بیت در مدح پادشاه وقت و تاریخ اتمام آن دیده میشود.

هزار سال جلالی بقای ملکش باد

شهور او همه اردی بهشت و فروردین

بسال هفتصد و هفتاد و شش بعد از هجرت

که نقش بند حوادث نمود صورت این (۱)

از روی نام محمد بن محمد که درحاشیه بیرونی دیگ نقرشده کسی در سلسله شاهان کرت بدین نام نیست شاید شمس الدین محمد بن محمد ابی بکر کرت باشد ولی از قرار تاریخ زمان فرمان روائی ملک شمس الدین از ۶۴۳ تا ۶۷۴ است و تاریخ اتمام این دیگ ۷۷۶ است تطبیق این تاریخ تنها با ایام حکومت ملک غیاث الدین پیرعلی بن ملک معزالدین که آخرین ملک سلسله ملوک کرت است شده میتواند زیرا ایام فرمان روائی او از ۷۷۱ تا ۸۷۴ است (۲) بعد از ملوک کرت درزمان شاهرخ میرزا (۸۰۷ - ۷۵۰) که شهرهرات از بهترین مراکز ودرحقیقت گلستان پرنقش ونگار آسیا بوده درزمرهٔ سایر عمرانات وآبادی هرات مسجد جامع هرات هم مورد توجه خاص شاهرخ قرارگرفته است چنانچه کتیبهٔ که تاکنون بخط ثلث برواق غربی مسجد دیده میشود نام شاهرخ بهادر در ان مرقوم وازین معلوم میشود که درترمیم ونقش نگار رواق‌ها وتزئین دیوارها وشبستان‌های

---

(۱) آثار هرات ج ۱ ص ۵۱ طبع هرات وسالنامه کابل ۱۳۱۸ طبع کابل.

(۲) تاریخ ملوک کرت نسخه قلمی تالیف نگارنده صفحه ۱۵۱

آن حصه زیادی داشته است واقدام احمدلر نسبت به قتل شاهرخ وکارد خوردن آن درروز جمعه ۲۳ ربیع الاخر ۸۱۰ درهمین مسجد بوده چناچه یکی ازفضلای هرات در تاریخ آن واقعه گفته است:

سال تاریخ هشتصد وسی بود   روزجمعه پس از ادای صلوات
قصهٔ بس عجیب واقع شد   درخراسان ولی بشهر هرات
کجروی در بساط چون فرزین   خواست تا شه رخی زند شد مات(۱)

درزمان سلطان حسین بایقرا (۸۴۲–۹۱۱) ووزیر نامدار او میر علی شیر نوائی «۸٤٤ ـ ۹۰٦» که هرات ازبزرگترین ومعظم ترین شهرهای آسیا بوده این مسجد بزرگ مورد توجه بسیار واحترام خاص پادشاه ووزیر وسا یر اعیان ومعاریف آن وقت بوده است.

بهترین شرحی که درین دوره نسبت باین مسجد نوشته شده ومارا ازهر شرح و بیانی درین خصوص بی نیاز میکند خلاصة الاخبار است که خوند میر در ۹۰٤ تالیف نموده ودر فصل اخیر آن ازین مسجد بزرگ چنین ذکر کرده:

ازجملهٔ ابنیهٔ عظیم الشان رفیع البنیان که درین بلده جنت نشان واقع است یکی مسجد جامع است که فی الحقیقة جامع فیوضات الهی ورافع کدورات نامتناهیست تا سپهر دوار آغاز دوران کرده هیچکس مقامی بدین رصانت ومکانی بدین پاکی ونزاهت نشان نداده وتا خسرو ثوابت وسیارد رسیرو سلوك آمده هرگز چشمش براساسی برین قیاس متین ومستحکم نیفتاده طاق سپهر

(۱) حبیب السیر جزو ۳ جلد ۳ ص ۱۲۷

آسای مقصوره اش درمعمورهٔ آفاق جفت ندارد وصفای صفهٔ معموره اش هر لحظه روحی تازه بابدان معتکفان درآرد از زمزمهٔ قرائت حفاظ خوش الحانش مقیمان عالم بالا پر فیض وسرور واز غلغلهٔ آذان موذنان نغمه پردازش مسبحان ملاء اعلی پر ذوق وحضور .



مسجد او جامع فیض اله	زمزمهٔ خطبهٔ او تا بماه
بر سر نه تخته گرفته شهی	منبرش از خطبهٔ بیت اللهی
غلغل تسبیح بگنبدد رون	رفته زنه گنبد والا برون
طاق بلندش بفلک گشته جفت	حامل او گشته فلک در نهفت
قبهٔ او برشده بالای چرخ	فرش تهش اطلس والای چرخ
هر که سعادت بودش رهنمای	بر در آن سر نهد آنگاه پای

واین بقعهٔ شریفه را سلطان ابو الفتح غیاث الدین محمد بن سام در اواخر ایام دولت خویش بنا نهاد وپیش ازآنکه خاطر خطیرش از اتمام این مقام فارغ شود بجوار رحمت حضرت عزت انتقال نمود برادرش سلطان شهاب الدین بواسطهٔ مخالفت خوارزم شاه بتعمیر مسجد نپرداخت اما پسرش سلطان غیاث الدین محمود بعد ازآنکه پادشاه شد عمارت آن موضع متبرك را اتمام ساخت وچون مدتی بر آن حال بگذشت وبسبب فتنه وطغیان چنگیزخان وخرابی ولایات خراسان آن منزل رفیع الشان روی بویرانی نهاد وتجدید تعمیرش بسعی واجتهاد پادشاه نیکو نهاد ملك غیاث الدین کرت اتفاق افتاد و پس از فوت او ملك معز الدین درزیب وتزئینش شرط جد وجهد بجای آورد ودر زمان حضرت خاقان سعید مغفور (مراد ازشا هرخ است)

امیرجلال الدین فیروزشاه(۱) نیز فی الجمله مرمتی کرد.

هرکه آمد عمارت نوساخت رفت ومنزل بدیگری پرداخت
وان دگر پخت همچنین هوسی این عمارت بسر نبرد کسی

درایام دولت ودوران سلطنت سلطان صاحبقران وخاقان گیتی ستان معزا لسلطنه والخلافه ابوا لغازی سلطان حسین بها در خان خلدالله تعالی ظلال اقبا له طاق مقصوره اش شکستی تمام یافت و اطراف قبهٔ معموره اش بسرحد خرابی شتافت جدار بلند مقدارش مانند را کعان پشت خم کرده وپیل پایه های عالی آثارش مثال ساجدان روی نیاز بر زمین آورده سفیدی گچ ازسقف مرفوعش مرتفع شده وخاك سیاه نمناك برزبر فرش میمونش مجتمع گشته چون این معانی برضمیر انورعالی جناب مقرب الحضرت السلطانی (مراد از امیرعلی شیر است) پرتو انداخت همت عالی نهمت بر تجدید بناء این مسجد شریف و تشئید اساس این معبد منیف مقصور ساخت واز پادشاه اسلام اجازت طلبیده وازارواح مقدسهٔ مشایخ عظام استمداد کرده دررمضان سنه ثلاث وتسعمائه (۹۰۳) نخست بباز کردن پشت گنبد وطاق مقصوره اش که مکسور گشته بود امر نمود بعدازآن باستصواب معماران حاذق ومهندسان مدقق براست ساختن آن بنا بروجهی که ازآن محکم تر نباشد اشاره فرمود ودر دوجانب صفهٔ مقصوره دوایوان عالیشان

---

(۱) درزمان شاهرخ حاکم و فرمان فرمای شهرهرات بوده .

بنیاد نهاد و بدان جهت طاق بزرگ را استحکام تمام ومتانت
مالاکلام داد وآن بانی مبانی خیرات بواسطۀ کثرت اهتمام دراتمام این
عمارت بنفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می آوردودر
بسیاری روزها دامن درمیان زده مانند سایر مزدوران خشت بدست
استاد میداد و کار میکرد ودرهرچندروز معماران واستادان وسایر
هنرمندان را که درانجا می بودند جامه های گرانمایه پوشانیده و بنوازش
موفور می نواخت وبانعامات- غیر محصور خوشدل و مسرور میگردانید
لاجرم بتوفیق الهی و تائید نامنتهای پادشاهی کارسه چهار ساله در مدت
شش ماه باتمام رسانیدورفعت ایوان مقصوره اش بمقتضای همت امیر
بحرمکرمت ازآنچه پیشتر بود مقدارشش هفت زرع درگذشت وچون
اصل کار باتمام رسیدو قواعد آن مانند بنای هرمان مستحکم گردید فضلا
وشعراء در تاریخ تجدید این بنا ابیات فصاحت آیات درسلك نظم
کشیدند وکتابه نویسان بعضی ازآن ها رادرکتابۀ آن بقعۀ عالیه
مسطور گردانیدند عالیحضرت خداوندی مقرب الحضرت السلطانی
لفظ مرمت کردراجهت ضبط تاریخ آن بنا یافته بودندو بحسب توارد جناب
مولوی مخدومی فضیلت شعاری مولانا معین الملت والدین اسفزاری
را نیز همین لفظ بخاطر آمده بودو بدین گونه نظم نمودند:

نظام دولت ودین میر پادشاه نشان
که دولت دوجهانیش حق کرامت کرد

مرمتی که زاصل بنا فزون تر بود
درین مقام شریف ازعلو همت کرد

تو اتفاق حسن بین و اقتضأ زمان

که‌چون موافق تاریخ شد مرمت کرد
۹۰٤

وراقم حروف را این قطعه بخاطرفاتررسیده بود:

گشت محکم اساس این مسجد

زاهتمام امیربنده نواز

بهر تاریخ گفت مرشد عقل

شدمشیداساس مسجد باز

دیگری در تاریخ این بنا گفته:

مقصورهٔ طاق مسجد شهر

گردیده خراب بود ازدیر

شدامرز غیب وگشت تاریخ

وفق لبنائه‌علی‌شیر

ایضاً

این صفحه که مانده بودچون عظم رمیم

ماننده کعبه یافت احیای عظیم

تاریخ عمارتش زدل جستم گفت

ثانی بنای طیب ابراهیم

القصه پس ازآنکه‌ضمیرانورامیروالاگهرازجانب متانت‌واستحکام آن معبدعالی مقام فارغ گشت خیال زیب وآرایش واندیشهٔ تکلف ونمایش بخاطرخطیرش گذشت لاجرم بموجب اشاره علیه مهندسان خجسته آثاروکاشی تراشان شیرین کاروهنرمندان نقاش واستادان

سنگ تراش بجدهرچه تمامتر روی بتذهیب وتزئین آن مسجدفیض آئین آوردند ودر مدت یکسال کاری راکه بحسب تخمین وقیاس می بایست که درقرب پنج سال اختتام یابددرغایت پاکی وآراستگی تمام کردند چون طاق ها ورواق هایش بنقوش اسلامی وختائی مزین ومتحلی شدوصفحات صفهای پرصفایش بوفور تکلفات غریب وکثرت اختراعات عجیب ازسایر بقاع ممتاز ومستثنی گشت سقف گنبدهای بلندش مانندصحیفه اعمال نیکوکاران صفت سفیدی وروشنی پذیرفت وازراه های ایوان های ارجمندش ازسنگ های سوزدان برصانت تمام ومتانت مالاکلام گرفت:

پرازنقش ونگارازفرش تاسقف   مهندس را بروفکرونظروقف
زعالی غرفه هایش چشم بددور   مقوس طاقها چون ابروی حور

وچون منبر قدیم که ازچوب جوز تراشیده بودند درهم شکسته بود همت عالی نهمت امیرصافی طویت مقتضی آن شد که منبری ازسنگ مرمر ترتیب نمایدوملازمان آستان رفیع الشان درجستجوی وتگ وپوی افتاده در ولایت خواف سنگ مرمریافتندوآن رابه بهای تمام ازصاحبش خریده باندك زمانی باین بقعه مبارکه آوردند واستادشمس الدین سنگ تراش بساختن آن اشتغال نموده بیمن اهتمام امیرعالی گهرمنبری ساخته وپرداخته شدکه تاآفتاب عالم آرا هرصباح خطیب آسا بر منبرنه پایه سپهر خضرا بر می آیدشبیه ونظیر آن ندیده وتاسنت سنیه نمازجمعه وجماعت درمیان امت حضرت رسالت(ص) پدید آمدهٔ گوش هیچ آفریده مثال ومانندآن نشنیده زبده فضلای

زمن امیر اختیا رالدین حسن زیدت فضا یله جهت تاریخ اتمام این منبرعالیمقام این ابیات را درسلك انشا نظام وانتظام داده :

از همت بزرگی شدمنبری مکمل کزغایت ترفع برعرش سرکشیده
هرگز کسی ندیده منبر زسنگ مرمر تاریخ شدهمان کوهرگز کسی ندیده

واین مسجد شریف مشتمل است برچهارصد وشصت گنبدوصدوسی رواق وچهارصدوچهل وچهار پیل پایه وطولش سوای عرض دیوار دوصدو پنجاه وچارزرع است وعرضش صدو پنجازرع وطول صفه مقصوره شصت و پنج زرع وعرضش بیست وپنج زرع ودهن طاقش بیست وشش زرع وطول صفه شمالی بیست وسه زرع وعرضش پانزده زرع وطول صفه جنوبی بیست ودوزرع وعرضش سیزده زرع ونیم وطول گنبد مقبرۀ ملوك بیست وچهارزرع است وعرضش بیست وسه زرع وطول صحن مسجدصدوچهارده زرع است وعرضش هشتاد وچهار زرع واین بقعه شش دروازه دارد که غیرت هشت در بهشت است ودرهفت اقلیم شبیه ونظیر ندارد وبالجمله درروزچهارشنبه چهاردهم شهرشعبان سنۀ خمسه وتسعمائه (۹۰۵) که تکلف وتزئین این مسجدجنت آئین باتمام رسیدآن صاحب توفیق وصائب تدبیر آش عظیم ترتیب داده خطیب وامام وواعظ وحافظ ومتولی وخادم واستادان وعمله وفعله رابتمام دران مقام طلب نموده شرط ضیافت به تقدیم رسانیدآنگاه قامت قابلیت آن جماعت را که قرب صدکس بودند به پوستین های گرانبها وفرجیهای صوف اعلی وقباهای قیمتی وديگر ثیاب فاخره مزین وآراسته گردانید امید بکمال وکرم حق عزوعلا

آن است که برهرگامیکه ملازمان این امیرکبیر نیکونام درسرانجام مهام این عالی مقام نهاده اند دردارد نیا بکامی فایزشوندوبهرخشتیکه درین مسجدمیمون سرشت بکار برده اند درعالم عقبی باحراز بهشتی سرافراز گردنداین دعـا ازمن وازخلق جهان آمین باد» .(۱)

دررسالهٔ مزارات هرات طبع مطبع دانش نیز از بناو ترمیم والحاقات میرعلی شیرنوائی وخصوصیات مسجدجامع وسایردوره هائی که طی کرده چنین نوشته شده «درشمال مسجدمتصل مدرسهٔ غیاثیه خانقاهی است که اکثرمشایخ دران موضع متبرك بخلوات واربعینات بسر برده اند(۲) وبسیاری ازاهل دل درین موضع متبرك بمقاصدکلیه فایز آمده اندودرمیان گنبدی که درصفه شمالی است سلطان غیاث الدین غوري مدفون گشته وبعضی ازملوك کرت نیزدران گنبدمدفونند درطرف غربي گنبدمذکورمدرسهٔ معمور گشته آنهم ازآثار وبنای ملوك کرت است این مسجدشریف ازعجائب مسجدهاست چنانچه وسعت آن شانزده جریب است چهارصدوشصت گنبددارد و ٤٤ فیل پایه وشش دروازه امادرتاریخ ۹۰٤ هجری دروقت سلطان حسین میرزاوزیـراوامیر علی شیرتجدیدوترمیم مسجدرا بطرزجدیدنموده چنانچه کاشیکاری

---

(۱) نقل از نسخه قلمی که دوصدسال قبل درهرات نوشته شده. (۲) درین چله خانه حضرت خواجه عبیدالله احرارومولانا جامی چندین چله گذشتانده اند. این رباعی را مولانا جامی دروقت اعتکاف خود بردیوار خانقاه بخط مبارك خود نوشته بودند.

بقعهٔ خـیرماست گوشهٔ دیر — لیس في الکائنات ثانیها

عیش جامی درومدام خوش است — طیب الله عیش بانیها

ومیذنه‌واطراف مسجدشریف رابسنگ مرمرآبادنموده وتاریخ آباد شدن مسجدمذکوراین دورباعی است :

مقصوره‌وطاق مسجدشهر　　گردیده خراب بودازدیر
شد امرزغیب‌وگشت تاریخ　　وقف لبنائه علی شیر

۹۰٤

زتعمیراین بقعه‌جان یافت‌فیض　　که مانند خلداست ماوای فیض
چوازفیض اتمام شدبهره مند　　خردیافت‌تاریخ آنجای فیض(۱)

۹۰٤

درسال ۱۰٤٥ هجری درعهدشاه اسماعیل‌صفوی دوباره‌خراب گردیده بود، درسال ۱۲۵۳ هجری وزیریارمحمدخان درانی‌آباد نموده‌ودرابتدای‌سلطنت‌ضیاء الملة والدین امیرعبدالرحمن‌خان مرحوم ایوان‌قبله که‌خراب شده‌بودآباد گردیدودرسال۱۳۲۵ه که سراج الملة والدین امیرحبیب‌الله خان مرحوم بطریق دوره تشریف فرمای دارالنصرت هرات شدندچون مسجدمتبرك رااز آثارقدیمه دیدندوبه مرورایام روی به‌انهدام نهاده بودامروارشادفرمودندکه مبلغ دولك روپیه ازعین المال خودشهریاری صرف‌آبادی مسجدشریف بشود وصداقت نشان شاغاسی دوست محمدخان راکه ازنظمای ملك بود مقرراین خدمت نمودندهمان بودکه‌بمدت پنج سال بطرزقدیم آبادشد. (۲)

---

(۱) اکنون نیزاین دورباعی فوق بارباعی که ذیلاً مرقوم است ازدستبرد زمان محفوظ مانده وبخوبی خوانده میشود.

این صفه‌که مانده بودچون عظم‌رمیم　　مانندهٔ کعبه‌یافت احیای عظیم

(بقیه درصفحه ۳۱)

تزئینات این مسجد:

از ریزه کاریهای صنعتی وگچ بریهای ضریف، وکاشی کاریهای نفیس ونقاشی های دقیق که یادگار دورهٔ سلاطین غور وملوك کرت باشد چیزی قابل ذکر نمانده است تنها نمونهٔ گچ بری باانواع آرایش های مختلفه یعنی تنظیم متن کتیبه بخطوط کوفی گل دارو کنده کاری درون خطوط باسایه وروشنی مخصوص دریک قسمت گنبد مخروبهٔ سلطان غیاث الدین دیده میشود این صنعت جمیل وظریف حاکی ازمهارت دقیق وچیره دستی کارگران واستادان این بنای عالیست و انسان تعجب می نماید که آیا چطور توانسته اند با یک مشت گل وگچ چنین هنری ازخود نشان دهد که هنوز پس ازچندین قرن مایه بهت وشگفت بیننده باشد ازدورهٔ شاهرخ وسلطان حسین میرزا که تزئینات وکاشی کاریهای مغرق وخطوط نقاشی وتذهیب های استادانه آن دراوج مهارت وظرافت بوده ونظیر ومانند آن امروزهم درمسجد شیخ لطف الله ومسجد شاه وعالی قاپو دراصفهان ومسجد گوهرشاد درمشهد ومسجد بی بی خانم درسمرقند دیده میشود بغیر ازدوسه پارچهٔ کاشی کاری ودوسه کتیبه رواق چیزی دیگری نمانده است وهمین مقدار باقی مانده که باصطلاح مشت نمونهٔ خرواراست مهارت ونیروی استادان

«بقیه صفحه ۳۰»

تاریخ عمارتش زدل جستم گفت ثانی بنای طیب ابراهیم

(۲) رسالهٔ مزارات هرات طبع مطبع دانش ۹۰٤

ونقاشان آن عصررا بخوبي نشان میدهد.

مسجدجامع هرات ازنظرسیاحان ودانشمندان جهان :

سیاحان ودانشمندان جهان نظر به عظمت وشهرت وزیبائی که این بنای معظم داشته درآثارخود هریک از نقطهٔ نگاه خویش شرحی ازعظمت وزیبائی وتاریخ این بنا نوشته اندتاجائیکه بنظرنگارنده رسید نوشته های آنان رادرین جامحض برای آگاهی هموطنان عزیزخویش می آوریم : ندرمایروارنست دتیس المانی درکتابی که بنام افغانستان نوشته اندد رخصوص مسجدجامع هرات مینویسند :

مسجدجامع هرات طوری وصف میشود که این مسجدمانندمساجدعظیم وبزرگ دیگروهمچنان مانندبسامعابدمحتشم غرب قسمت ساختمان آن دوره های مختلف تاریخی رادرخودحل ومزج نموده است وبرای نشان دادن معیارصحیح وقیمت صنعتی آن کشفیات وتدقیقات مفصل درخودهمان نقطه میتوان نمودهمین ندرمایر مقالهٔ به عنوان افغانستان درمجلهٔ المانی موسوم به شرق جدیدشمارهٔ ٤و٥ مورخهٔ ٢٥ می ١٩١٧م نوشته که ترجمه آن درشماره ٢١ سال ٢ کاوه مندرج است درین مقاله دربارهٔ مسجدجامع هرات چنین نوشته است :

بهترین ابنیهٔ هرات مسجدجامع آن است وبعضی ازقطعات آن شبیه است به مسجد ابن طولون وسامره .درایوان بزرگ این مسجد بعضی خطوط کوفی دیده میشود که هنوزخوب باقی مانده است این مسجدرا چندین دفعه تجدیدعمارات نموده واصلاح کرده اندو بسبب مواظبت

امیر هنوز بحال خوبی باقی است دیوار هـای رو بطرف حیاط مسجد معلوم میشود که بعدها به آجر قشنگ مزین کرده اند و اندکی بعد روی آن آجرها را بطرز ابنیه خراسان کاشی کاری نموده اند در طرف شمال مسجد ولی متصل بدان یک بنای مقدس دیگر ولی کوچکتر ساخته شده است که در مـزیـن آن بطرف مشرق است ساختمان این بنا از حیث شکل و تزئین شبیه است بمسجد قدیم سرخس شرق در خراسان . »

هم چنین رابرت بـایرن دانشمند معروف در کتاب سومین کنگرهٔ بین المللی آرت وباستان شناسی در لینن گراد ۱۹۳۵ مقالـه به عنوان «آبدات عصر تیموری افغانستان» نوشته و از مسجد جامع هـرات چنین ذکر می نمایـد« در وسط شهر مسجدی است معروف به مسجد جامع که حیـاط آن صد یارد طول و ٦٥ یارد عرض دارد به چاردور حیاط مسجد قطار کمان های رواق ها دیده میشود قـرار تذکـار معین الدین اسفزاری مسجد جامع هرات را سلطان غیاث الدین محمد ابن سام غوری در سال ۵۹۷ هجری مطابق (۱۲۰۰ م) بنا نهاده و هنوز هم کتیبهٔ کوفی در ین مسجد است کـه سبک نگارش آن به عصر بانی مسجد موافقت میکند خود سلطان غیاث الدین هم در مقبره که به مسجد جامع متصل و پیوست است دفن میباشد ومقبرهٔ او را بعدها ملوک کرت در قرن ۱٤ مجدداً تزئین کرده اند کتیبه بخط نسخ ازین عصر یادگار مانده و دارای عناوینی است که معمولا ایلخانـان مغل مانند اولجایتو و ابو سعید و امرای دودمان کرت استعمال میکردند سلالهٔ کرت حتی در ایوان عمدهٔ مسجد جامع هم تزئینا تـی از خـود بیاد گار گذاشته اند از جملهٔ اشخاص فاضل و دانشمندی که عامل شهرت

دربار سلطان حسین بایقرا شده بودند هیچ یکی مانند میر علی شیر نوائی معروف و برجسته نبود این وزیر دانشمند که ۳۷۰ مسجد، مدرسه، کاروان سرای، شفاخانه، قرائت خانه پل وغیره برای منافع ورفاه عامه آباد کرد در ۹۰۴ هجری مطابق ۱۴۹۸ م تصمیم گرفت که مسجد جامع هرات را ترمیم کند مشار الیه اول از همه گنبدی را که عقب ایوان بزرگ مسجد جامع بوده و گنبد آن خطر تولید کرده بود ویران نموده و بهر دو طرف آن دو پایهٔ متینی برپا کرد و بهر کدام دو کمان دیگر دو طبقه‌ای افزود سپس با تعمیر منزل دیگر و عمران دیوارهای نازکتر روی دیوارهای قدیمی ارتفاع دیوارهای حیاط مسجد را زیاد نمود و بالاخره روی دیوارها و طاقها و ایوانها را کاشی کاری نمود (۱)

همچنین مقالهٔ بقلم یکی از فضلای معروف هند به عنوان نظام الملک ثانی یا امیر علی شیر فانی در شماره ۳۶ مجله اورینتل کالج میگزین که از مهم ترین مجلات هند است نشر شده و نسبت به مسجد جامع هرات چنین نوشته: «در بین سایر تعمیرات هرات مسجد جامع آن دارای امتیاز مخصوص است امیر علی شیر این مسجد را در عهد خود سر از نو تعمیر نمود خوشبختانه کوایف تعمیر این مسجد در مکارم الاخلاق قدری به تفصیل ذکر شده و از آن اشتغال و دلچسپی میر را با مور تعمیر مساجد خوبتر میدانیم. مسجد جامع هرات را سلطان ابو الفتح غیاث الدین محمد ابن سام در اواخر سلطنت خود طرح تعمیر ریخت متأسفانه عمرش به انجام

«۱» مجله آریانا سال ۱ شماره ۱۲۵ ترجمه بنا غلی کهزاد

این امر خیر وفا نکرده مسجد همانطور نا تمام ماند بعد از سلطان غیاث الدین برادرش سلطان شهاب الدین تعمیر آن را طرف توجه قرار داد اما در عهد سلطان غیاث الدین محمود ابن شهاب الدین (۱) امر تعمیر به اختتام رسید حملات چنگیزی در ذیل تخریب سایر آثار خیریه باین مسجد هم صدمه کلی رساند ملک غیاث الدین کرت از منظر ویرانی آن متأثر شده بترمیم آن اقدام نمود بعد از ملک غیاث الدین کرت سلطان معز الدین کرت و امیر جلال الدین فیروز شاه هر یک بنوبهٔ خود بترمیم آن مساعی جمیله بکار برده اند امیر علی شیر در ۹۰۳ هجری بتعمیر جدید آن آغاز نموده مهندسین مشهور و معماران معروف را بکار آن مقرر کرد و آنقدر در انجام کار آن شوق و شعف داشت که خود با عمله و کاریگران آن کار میکرد و در اجرت وحق الزحمهٔ کاریگران آن قدر فیاضی و جوادی بکار برد که همهٔ آنها از دل وجان ممنون و مسرور شده به همت تمام وسعی وافر سرگرم کار میبودند چنانچه در اثر همین سعی و کوشش کار چهار ساله در مدت شش ماه بانجام رسید.

بعد از فراغ تعمیر نقاش ها و کاشی تراش ها را بنقش و نگار مسجد گماشت طاق ها و رواق ها را بنقوش اسلامی و ختطائی مزین و دیوار های مسجد را با شاخه های گل و برگ های رنگارنگ منقش ساختند برای ساختن منبر از اطراف دوردست سنگ مرمر خواست و استاد شمس الدین سنگتراش را بساختن آن مکلف نمود و قتیکه منبر تمام شد شعرا مادهٔ تاریخ آنرا سرودند کار مسجد در سنه ۹۰۵ بکلی

(۱) مولف روضة الصفا و حبیب السیر ابن غیاث الدین ابن محمد بن سام میلویسند.

تکمیل یافت میر کاریگران را بانعام وبخشش های شایانی نوازش نمودوبتقریب اتمام آن محافل سروردعوت های متعددمنعقدنموده مردم ازخواص وعوام درین دعوت هاشرکت داشتندمیردر تعمیر این مسجدآن قدرشوق وشغف قلبی داشت که درطرح ونقشه وامورعمران آن باماهرین فن ومتخصصین بزرگک آن وقت بمشوره ومذاکره شامل شده وازتدبیروافکارآنان استفاده نموده وباین وسیله تزئین وزیبائی مسجد رابسرحدامکان رسانید. تحریر کتیبه وتزئینات مسجد رابه نقاش مشهوروخطاط معروف آن عهدیعنی خواجه میرك مفوض نموداماچنانکه عادت هرصاحب کمالی است خواجه میرك درکار بطالت نشان میدادمیرهرچند کوشش نمودمیرك ازسستی وتأنی که در کارداشت بازنیامده ازیکطرف کارمسجددرمعرض تاخیرافتادواز طرفی میرك درقریهٔ (شادروان) نزدیک هرات گلگشت مینمودمیر اگرازتشددکارمیگرفت بخوبی میتوانست ولی دراصلاح میرك تدبیر متین وموزونی سنجید. خواجه جلال الدین محمد کاردارمالیه رافرمود که تابنام خواجه میرك رقعهٔ بدین مضمون نویسد:

خواجه میرك راواضح خاطرباد!

مبلغ پنج هزاردینارطلب حکومت که برذمهٔ شماباقیست بزودی داخل خزانهٔ سرکاری نمائیدزیراکه درین وقت حکومت سخت بپول ضرورت دارد. دونفر محصل این رقعه راگرفته نزدخواجه میرك درشادروان رفتندوازوی زرمذکورراطلب کردندخواجه میرك ازین تقاضای غیر متوقع سخت مضطرب گردیده سرراست بخدمت میرعلی شیررسیدوعرض

نمود که برایخدا بمن امدادی بفرمائیدتا ازعتاب شاهی وارهم میرتبسم کرده گفت بامداد شما آماده ام بشرطیکه کتیبه و نقاشی مسجد را درمدت ۱۵ روز انجام دهید. پس بدین وسیله میرك کارهای مسجدجامع هرات رابزودی انجام نمود. (۱)

فرامین واحکام شاهانی که روی سنگ های مرمر منقور وتاهنوز باقی است :

بررواق بعضی ایوان های مسجد فرامین واحکامی از شاهانی سابق مانند ابوسعید کورگان وسلطان حسین بایقرا وغیره نسبت برفع تکالیف دیوانی وموقوفات مسجد جامع دیده میشود که روی سنگ های مرمر منقور وتاهنوز بکمال وضاحت خوانده میشود دراینجا بطور نمونه دوسه فرمان واحکام راکه نمایندهٔ سبك وروش همان وقت است نقل می نمائیم.

فرمان وسلطان ابوسعید کورگان که از ۸۳۶ - ۸۷۳ سلطنت نموده :

الله ولی التوفیق .چون بمیامن همم عالیه اهل الله و توجه نفوس زاکیه اصحاب کشف وانتباه توفیق اشاعهٔ خیرات واذاعهٔ مبرات رفیق دولت روز افزون وقرین روزگار همایون حضرت خاقان صاحب قران رافع الویة العدل والاحسان قامع البنیة الظلم والعدوان الموید بتائید الملك الدیان غیاث الخلافت والسلطنة والدین غوث الاسلام والمسلمین سلطان ابوسعید کورگانی خلد الله تعالی سبحانه فی بسیط الارض ملکه

---

[۱] شماره ۱۲ مجلهٔ کابل سال سوم ص ۸۱- ۸۲ ترجمه نگارنده.

وسلطانه گشته همگی همت عالی نهمت بر ترفیهٔ عباد و تعمیر بلاد و دفع مواد فساد و رفع رسوم مذموم ارباب ظلم و عناد مصروف و معطوف فرموده تصدیقاً لهذا الحال چون به مسامع جلال رسید که بواسطهٔ مطالبت نام بردار در بلاد و دیار انواع فزع و اضطرار در هر وقت و زمان بعامه سکان راه می یابد درمنتصف جمادی الاخر سنهٔ ست وستین وثمانمائه امر مطاع لازاله مشبعاً فی اقطاع صدور یافت که من بعد الیوم بعلت نام بردار قشونی از دارالسلطنهٔ هرات و بلوکات مطالبت ننمایند و بدین جهت اصلاً به اهالی و بساکنان و جماعات و محترفات و شرکاء و مزارعان تعرض نرسانند تا بفراغ بال وفارغ حال در ظل معدلت وعاطفت و کنف مرحمت ورأفت روزگار گذرانند امید است که تا انقراض دوران فرزندان کامگار دولت یار روسا یر سلاطین نام دار توفیق تنفیذ آن یافته وحکامیکه تغییر این خیر عام نماید درمعرض وبال ومستحق عتاب حضرت ذو الجلال باشدفمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه وعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین وفرمان واجب الاذعان صادر شد.

فرمان سلطان حسین میرزا که از ۸۷۵ الی ۸۹۹ سلطنت نمود در ایوان قبله مسجد جامع بروی سنگی کنده شده :

الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات و بتوفیقه یفتح ابواب الخیرات.

چون همت سلطان زمان متمثل ان الله یأمر بالعدل والاحسان معز الدنیا والدین ابو الغازی سلطان حسین بهادرخان خلد ملکه بر ترویج بقاع مبرات موقوفست وصورت تکثیر مداخل سعادت بر لوح جامع ضمیر انور

او کالنقش فی الحجر ثابت است در اول ربیع الاول هشتصد و هفتاد و هشت فرمان عالی فرمود که موقوفات مسجد جامع دار السلطنهٔ هرات وجنبذ عالی سلاطین ماضی وخانقاه جدیدوجسر نهر مالان از کل تکالیف دیوانی مسلم ومرفوع القلم دانسته از رقبات و مستغلات آن مال واخراجات لشکر وشناوری وسونجی وده و یازده وضابطانه وحق السعی وداروغه گانه وغیر آن نطلبند وحاصل آنرا با مارت وزینت و ارباب وظائف ومستحقات مقصر دانند هر آینه فرزندان کامگار و سلاطین اسلام شعار توفیق تنفیذ این خبر یافته همم علیه ایشان رخصت تغییر آن ندهند قوله تعالی (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه)(۱) .

این بود شرحی ازین مسجد عظیم الشان که بقول لوسترانج مستشرق معروف نظیر ومانند آن درزیبائی وعظمت کمتر دیده میشود از منابع داخلی وخارجی بدست آورده درین جا نو شتیم متأسفانه که درین اواخر این مسجد بزرگ با همه عظمت وزیبائی که دارد براثر عوامل خارجی وفشار زیاد گنبدها گرفتار خرابی وپیش بر آمدگی های سخت گردیده است. خوشبختانه درروزگار ماشاغلی عبدالله خان وکیل نائب الحکومهٔ هرات بنابرحس ترقی خواهی وعرفان دوستی کـه دارد برای ترمیم وآبادی این بنای معظم باجدیت هرچه تمامتر اقدامات شایانی نموده ازسه سال باینطرف کار تعمیر وترمیم قسمت های خارجی وداخلی مسجد

---

[۱] برای اطلاع از تولیت مسجد و کتابخانه و کتب و تبرکاتی که بوسیله فخری پاشای مرحوم یادگار داده شده بود رجوع کنید به جلد اول آثار هرات تالیف فاضل دانشمند آقای خلیل الله خلیلی .

درجریان ودروازهٔ بزرگ آن سرازنو تعمیر و آبادشده و کاشی کاری آن که بکلی از بین رفته بود باهمان نقش ورنگ واسلوب بتوسط حاجی اسماعیل خان بنا که از احفاد بنائی هروی است درخود هرات فراهم ودر شرف انجام است امید است که تعمیرات اساسی آن نیز بتوجه حکومت غمخوار و معارف دوست ومراقبت وجدیت وکیل نائب الحکومه که برای عمرانات و آبادی وشئون هرات عشق مفرط وشور فراوان دارد روی کار آمده و باین وسیله عظمت وشکوه دیرین این مسجد جامع تاریخی را تجدید و روان تازه برین بنای قدسی که از عالی ترین بناهای مذهبی بشمار میرود ببخشد .

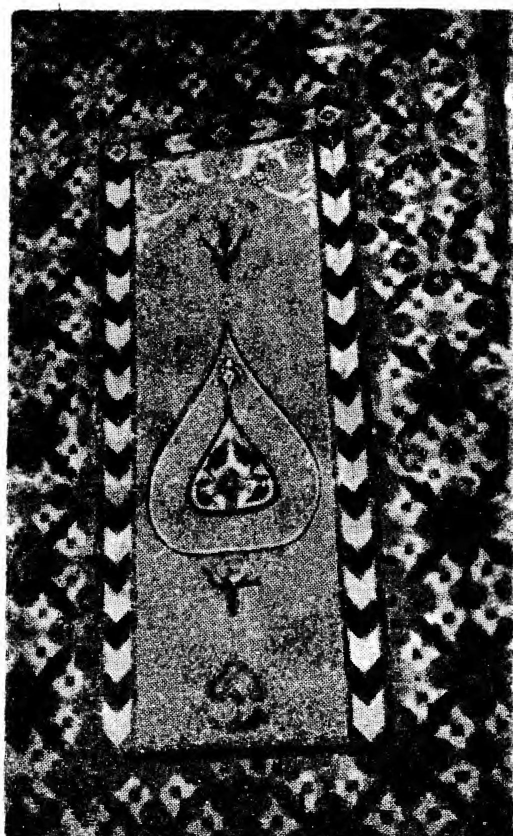
«گویا اعتمادی»

این مقاله در ثور ۱۳۲۵ نوشته شده
و در شماره ٤ سال ٤ مجله آریانا درج است

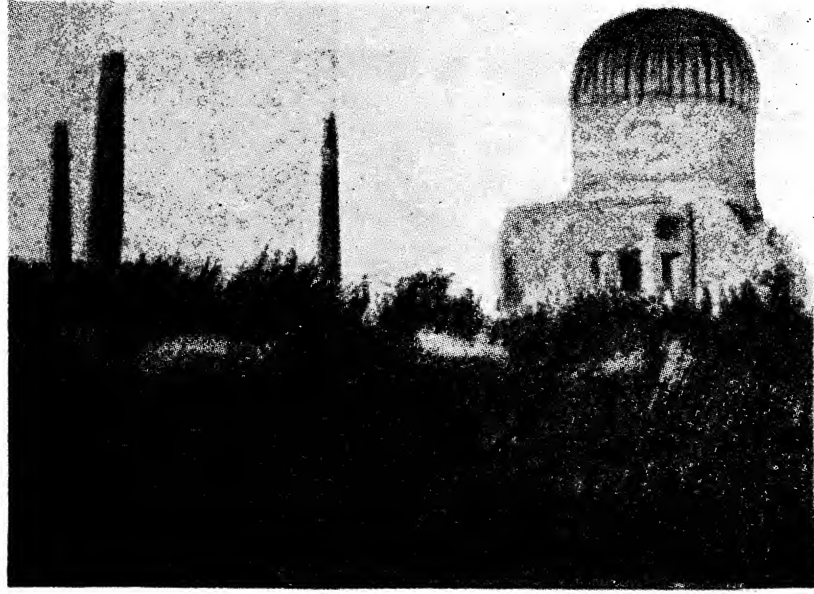
گنبد سبز

یا مقبره سلاطین تیموری هرات

از بناهای گوهرشاد آغا ملکه هرات که بانوی با فضل و دانش بوده و علما و فضلا و شعرا و هنروران از احمایت و تربیه می نموده و مدنیت و عمرانات آن عصر هرات مدیون مساعی جمیله و تشویق او بوده مدرسه و عمارتی است که در وقت حیات او بنام خودش مدرسه گوهرشاد آغا یا مدرسه مهد علیا و بعد بنام بیت المغفره و اکنون که مخروبهٔ از ان باقیست بنام گنبدسبز در بین مردم هرات مشهور است این مدرسه و بنای محتشم یکی از مجلل ترین و باشکوه ترین بناهای هرات در ان عصر محسوب می شده و بهترین نماینده ذوق و صنعت هنروران دورهٔ تیموری چه از لحاظ بنائی کاشی کاری وچه از حیث نقاشی و کتیبه نویسی و میناکاری بوده است چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مورخ دربار شاهرخ در مطلع السعدین که وقایع چشم دید سلطنت شاهرخ و اولاد او را نوشته



صنعت کاشی کاری جدید هرات



گنبد سبز

است درخصوص این بنای مجلل مینویسد:

«درین سال مدرسه عالی و عمارت متعالی که مهدعلیا گوهرشاد آغا درشمال شهر درسرپل انجیل ساخته بود تمام شد و آن عمارتیست که درمعمورهٔ عالم نظیر ندازد»

یك لوحه سنگ مرمر قشنگی که کتیبه این بنا بوده و تاریخ بنای مدرسه بخط ثلث جلی بقلم خطاط معروف آن عصر جعفر جلال هروی بر آن نوشته شده و اکنون درموزیم هرات موجوداست نشان می دهد که آغاز تعمیر این مدرسه در ۸۲۰ هجری و تاریخ اتمامش در ۸٤۱ بوده یعنی درمدت ۲۱ سال بانجام رسیده است این مدرسه را گوهرشاد آغا ملکه هرات که دختر غیاث الدین ترخان وزوجه محبوب شاهرخ و مادر میرزا الغ بیگ و بایسنقر و محمدجوکی بوده بنا بر علم دوستی و دانش پروری که داشته درزمان سلطنت شوهر خود شاهرخ میرزا برای دانشمندان و طلاب که از هر طرف برای تحصیل درین مهدعلم ودانش می آمدند ازمال خالص خود بنا نمود و مدرسین عمده واستادان هرات را برای تدریس درین مدرسه مانند شیخ شهاب الدین بسطامی و مولانای اعظم شمس الدین محمد بن اوحد معین نمود و کتابخانه بسیار بزرگی مملو از کتب متنوعه درین مدرسه الحاق نمود و همچنین شفاخانه وشبستان برای طلاب ودارالضیافه برای واردین و مسافرین ودارالمساکین برای غربا ضمیمه این مدرسه نمود از یك نسخه خطی که درسنه ۸٦۱ یعنی سال وفات گوهرشاد بانی این مدرسه نوشته شده وحاوی وقفنامه هاست از وقف نامه مشارالیها

که دراین نسخه است معلوم می شود که زمین های مزروعی و باغ های مثمر و آسیاب ها و دکان ها در هرات و تربت جام وفوشنج (زنده جان حالیه) که از مال و ملك خالص او بوده وقف این بنا ها ومدرسه بوده است مهندس ومعمار این بنا قوام الدین شیرازی است که دراول شعبان ۸٤۲ هجری وفات نموده(۱)

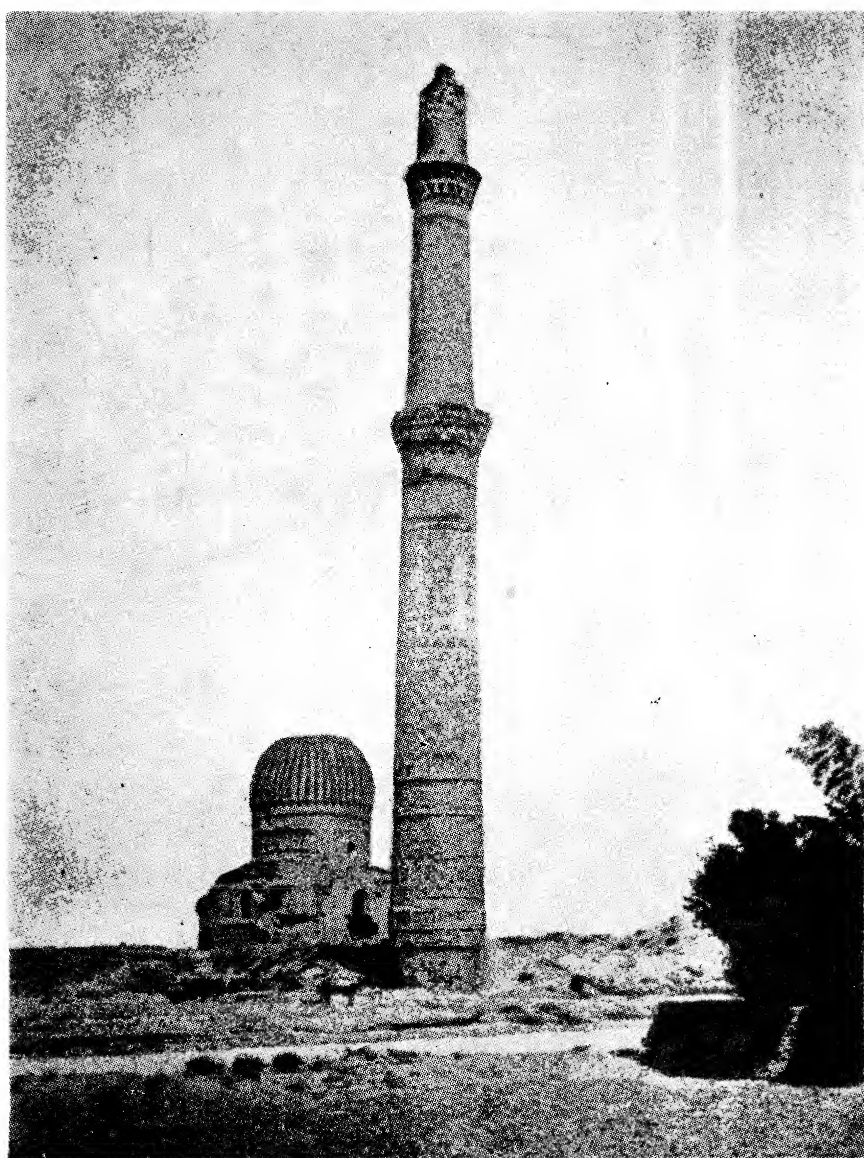
برعلاوه این استاد، معماران وحجاران وکاشی کاران ونقاشان وخطاطان ماهر را ازهرجا طلبیده وباتشویق واعطای انعامات وافره وصرف مبالغ بسیار از مال خالص خود این بنای مجلل را بکمال زیبائی بانجام رسانده است رواق های بلند ودیوارهای ضخیم ومحیط ومنارهای زیبا وگلدسته ها وگنبدهای این مدرسه عموماً بکاشی های رنگارنگ ومینا وخاتم منقش بوده وبه نقش وخط نقاشان وخطاطان ظریف کار آن عهد مزین بوده واکثر خطوط ونقوش وکتیبه های این مدرسه بخط خطاط نامدار ونقاش ماهر هرات جعفر جلال ومیرك هروی بوده است ودرجوار این مدرسه گنبد بسیار زیبا وبا شکوهی برای مدفن خود وشاهرخ شوهر عزیز خویش وپسران خود ساخته بود که

---

(۱) استاد قوام الدین افسر مهندسان ومعماران بود وعمارات ملکه گوهرشاد در هرات همه از کارهای اوست حکایت مشهور است وبرزبان ها جاری که وقتی سلطان شاهرخ بسببی از کارهای مهندسی ازوی رنجیده مدت یك سال اورا در دربار خود راه نداد چون استاد قوام الدین درعلم نجوم نیز ماهر بود تقویمی استخراج کرد وباجازه پادشاه بحضورش تقدیم نمود پادشاه تبسم نمود این بیت را برای او خواند:

تو کار زمین را نکو ساختی   که بر آسمان نیز پرداختی

قوام الدین دراول شعبان سنه ۸٤۲ وفات نمود (ص ۱٤۸ جزء ۳ ج ۳ حبیب السیر طبع بمبئی)



منار و مقبرهٔ گوهرشاد

دورنمای مسجد مصلا در خیابان

اکنون قسمتی ازان گنبد باقی وبنام گنبد سبز مشهور است این گنبد مدفن یك ملکه وهشت نفر از سلاطین شهزادگان تیموری است بشرح ذیل:

۱ـ بایسنغر بن شاهرخ که در سنه ۸۳٦ وفات نمود وتابوت اورا از باغ سفید برداشته تا مدرسه گوهرشاد آغا که مدفن او آنجا مقرر بود آورده دفن نمودند(۱)

۲ـ سلطان احمدبن عبداللطیف بن الغ بیك بن شاهرخ که در ۸٤۸ هجری درین گنبد دفن شده.

۳ـ گوهرشاد آغا که در ۸٦۱ کشته شد ودرهمین گنبد دفن گردید چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین در وقایع ۸٦۲ یك سال بعد از مرگ گوهرشاد نوشته است «میرزا علاء الدوله هفتم جمادی الاخر روز جمعه بعداز نماز از طرف قریه ساق سلمان ظاهر شد.....

ودر کوچهٔ خیابان خرامان خرامان درآمده بمدرسه ومقبره مهد علیا گوهرشاد آغا فرود آمد ومراسم زیارت بجای آورده عازم باغ زاغان شد» خوند میر در خلاصة الاخبار وبابر در کتاب خاطرات خود همین گنبد را مدفن ملکه گوهرشاد دانسته اند.

٤ـ علاء الدوله بن بایسنغر که در ۸٦۳ هجری درهمین گنبد دفن شد.

۵ـ ابراهیم سلطان بن علاء الدوله بن میرزا بایسنغر که درسنه ۸٦۳ درراه مشهد وفات نمود وبقول عبدالرزاق سمرقندی در مطلع: «نعش اورا به هرات رسانیدند ودرششم شوال ۸٦۳ در مدرسه مهدعلیا گوهرشاد آغا درگنبد که مدفن اجداو میرزا یسنغر بود مدفون شد».

---

(۱) مطلع السعدین ج ۲ ص ٦۵۹ طبع لاهور.

۶ـ شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن میرانشاه که در سنه ۸۶۳ در هرات تولد و در ۸۹۸ در همین گنبد دفن گردید.

۷ـ میرزا سلطان محمد بن بایسنغر که بقول عبدالرزاق در مطلع: «در شجاعت و سخاوت نادرهٔ ایام بود در ۸۵۵ بقتل آمد و مدت عمر او ۳۴ سال بود و زمان دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت در زمان شاهرخ و پنج سال باستقلال و نعش او را در دار السلطنه هرات بمدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد خوابگاه پدر او مرزا بایسنغر دفن کردند.»

۸ـ میرزا محمد جوگی بن شاهرخ در ۸۶۸ هجری درهمین گنبد دفن شد این مدرسه و مقبره در زمان سلطان حسین میرزا (۱۴۶۸ـ۱۵۰۵ـم) نیز آباد و بارونق و شکوه بوده چنانچه خوندمیر در خلاصة الاخبار خود که در ۹۰۶ هجری تصنیف نموده نسبت باین مدرسه نوشته است «به حلیه تکلف و زیور زینت و وسعت و رفعت مزین و محلی و بوفور فسحت و کثرت متانت از اکثر بقاع این بلده جنت صفات ممتاز و مستثنی و درین اوقات چهار نفر از علمای پسندیده صفات در آن بقعه فائض البرکات بدرس و افاده قیام و اقدام مینمایند و از موقوفاتش به حظی وافر محظوظ و بهره ور میگردند»

همچنین بابر در ۹۰۹ هجری مدرسه و مقبره را بحال رونق و شکوه خاص دیده و در کتاب خاطرات خود از آن یاد کرده است، کریستی ویلسن در تاریخ صنائع ایران درباره این گنبد نوشته است: «مقبره گوهرشاد هنوز در هرات باقی است و آن بنائیست مربع شکل که گنبد سه مرتبه دارد

اولی برای تزئین فضائی زیر گنبد بکار رفته، گنبدوسطی برای نگاهداری وگنبدخارجی که بدنه های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است. این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت منارهٔ بسیار بزرگ بلندور نزدیکی آن قرار دارد دو تای آن بمصلای معروف تعلق داشته که گوهرشاد آنرا ساخته بوده ـ یکی به بنائیکه وصل بمقبره بوده وچهار منارهٔ دیگر بمدرسه سلطان حسین بایقرا کـه بعداً ساخته شده تعلق دارد، این مناره های بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر که کتیبه روی آنها نقش شده وکاشیکاری که طرحهای مکرر دارد زینت یافته نشان میدهد که معماری و تزئین عصر تیموری تا به چه درجه زیبائی وعظمت رسیده بود» این گنبد سه پوشش دارد پوشش اول آنرا اه داشته و پوشش دوم آن بدون راه بوده واز سوراخ سقف دوم گنبد سوم بنظر می آید قسمت زیادی از ین بنا و مدرسه سلطان حسین میرزا با منارهای آن تا شروع سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ آباد و معمور بوده امادرین روزگار جز هفت مناره که آن هم رو بخرابی گذاشته وهمین گنبد که مشهور به گنبد سبز است نشانی از مصلی و مدرسه اصلی باقی نمانده و این گنبد که در جوار مدرسه مذکور بنا یافته بود بحال خرابی و فرسودگی تا هنوز پابرجاست(۱) ودر کتیبه این گنبد اشعاری درمرثیه سلطان بایسنغر بخط بسیار زیبا نگاشته شده بود که از نهایت فرسودگی وخرابی تنها این دو بیت آن خوانده میشد:

---

(۱) در این اواخر برای تسطیح خیابان ها و نهال شانی پارک و ترمیم گنبد و بنای یک قهوه خانه در آنجا از طرف جا علی ملکیار نایب الحکومه توجه شایانی بکار رفته است.

بسکه رفت از چشم مردم خون دل زین واقعه

خامه را موج سرشك خویش در طوفان نماند

غوطه زد در نیل مصر از مصر گوئی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین در چین مگر خاقان نماند

سرور گویا اعتمادی

